

حقیقت

نشریه روزانه دهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت • شماره سوم • سه شنبه ۱۶ آذر ماه ۱۳۹۵

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY FILM FESTIVAL.No.3.Tus,6thDEC.2016

قصه های کارستان

■ گزارشی کارگاه یک پروژه کاملاً ویژه در دومین روز جشنواره سینما حقیقت



عکس: مریم سبیل پور

مستند ایرانی به روایت
فیلمساز آلمانی

گفت و گو با فلورین هافمن
مهمان آلمانی دهمین جشنواره
سینما حقیقت

14

جایگاه اصلی مستند
تلویزیون است

گفت و گویی صریح و پرچالش
با محمد علی فارسی
داور بخش جایزه آوینی

8

3 CUT کار

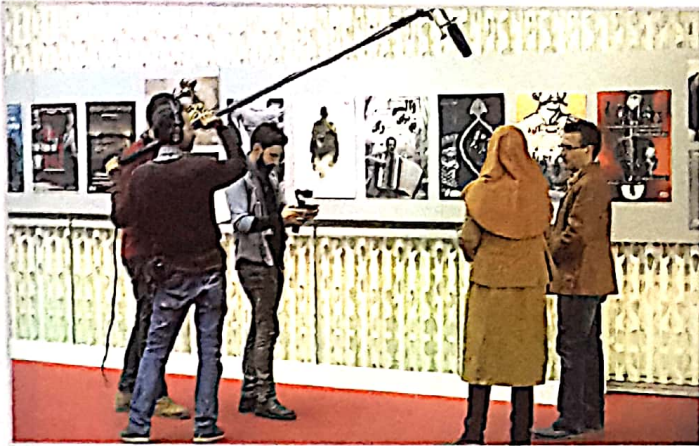
می خواهیم دیده شویم!

پرونده ای برای اکران عمومی فیلم های مستند



روز رنگین کمانی

حال و هوای پردیس چارسود در دومین روز از دهمین جشنواره «سینما حقیقت»



و این کارگردان توصیه‌هایی در زمینه فیلمسازی به دانشجویان داشت. اکبر عالمی هم اگرچه ابتدا چندان از مدل برگزاری دوره‌های «عصر گفت‌وگو» راضی به نظر نمی‌رسید، اما بعد از دفاعی که بحث میان او و حاضران در غرفه معاونت پژوهش مرکز گسترش گرم شد؛ مباحث شنیدنی و جالبی را به خصوص درباره نام‌گذاری اهداف بخش «حرد و تجربه» با موضوع مستندسازی درباره بازنشنگان با حاضران در میان گذاشت. عالمی به خصوص انتخاب این عنوان برای آثار این بخش راستود و بر لزوم توجه بیشتر به موضوعاتی از این دست در حوزه مستندسازی تاکید کرد.

برکت و در دسر یک استقبال

نمی‌توان از حال و هوای جشنواره دهم در روز دوم گفت و به سیر صعودی مخاطبان این رویداد اشاره نکرد. سالن‌های نمایش پردیس چارسود در روز دوم به مراتب شلوغ‌تر از روز نخست بود و این حجم از استقبال به همان اندازه که امیدوار کننده بود، مزه مزه اعتراض برخی اصحاب رسانه و مستندسازان را هم به دنبال داشت که از نبود ظرفیت کافی برای تماشای بی‌دغدغه آثار گلابی‌مندی بودند. بالاخره باران هم برکت و در دسر را با هم دارا

حال و هوای نیمه‌ابری و مرطوب پایتخت در عصر دوشنبه ردی از رنگین کمان را همچنان آسمان کرد و همین منظره چشم‌نواز برای دقایقی فضای پریه‌های جشنواره دهم در دومین روز برگزاری را تحت تاثیر قرار داد. دیوارهای شیشه‌ای پردیس چارسود قاف زیبایی از رنگین کمان عصرگاهی تهران را به مهمانان «سینما حقیقت» پیشکش کرد. هدیه‌ای که در شلوغی استقبال از فیلم‌های در حال اکران یک تنفس واقعی بود!

گدغه حرف‌های‌ها

در دومین روز برگزاری جشنواره ویژه‌تریس رویداد کلید خوردن گدغه‌های «عصر گفت‌وگو» بود. فرصتی برای دورهم‌نشینی مستندسازان و علاقه‌مندان این حوزه با اساتید و چهره‌های پیشکوت. کلید خوردن این رویداد با حضور رخشان بنی‌اعتماد و اکبر عالمی طعم ویژه‌تری هم پیدا کرد. رخشان بنی‌اعتماد در نخستین گدغه «عصر گفت‌وگو» به پرسش‌های دانشجویان و مستندسازان جوان درباره آسیب‌های اجتماعی و ماهنجاری‌هایی که تبدیل به هنجار می‌شوند و شیوه روایت این آسیب‌ها در قالب سینما پاسخ داد. یکی از دانشجویان حاضر در این جلسه فیلم کوتاه خود را روی موبایل برای رخشان بنی‌اعتماد نمایش داد

نگاه‌اول



مستندساز ترهاد وزه‌رام

رشد مستند

1 در چند سال اخیر جوانان به دلیل مطالعات بیشتر و دیدن فیلم‌های غیرایرانی، رشد بیشتری کرده‌اند. بعضی از آن‌ها که البته تعدادشان زیاد هم نیست به دلیل مطالعه، از نیاط با نسل گذشته و کار کردن بیرون از ساختار تلویزیون، بر خوردشان با سینمای مستند حرف‌های‌تر است. اما در حوزه من که به‌طور عام حوزه ایران‌شناسی است، باید طرف و منظروف با یکدیگر بخوانند و فرم و محتوا را بنه تنگ‌نگی با هم داشته باشند. در حوزه‌ای که من کار می‌کنم تحقیق و شناخت، ابزار بسیار مهمی است. سینما یعنی عکاسی کردن و به نظرم باید ضوابط آن رعایت شود.

2 برعکس خیلی از دوستان که می‌گویند همه می‌توانند فیلم بسازند و هر چیزی که ضبط شود، فیلم است، من معتقدم هر چیزی که ضبط شود، تصویر است و وقتی نام سینما می‌گیرد که تائیر گذار باشد. اگر فیلمساز بخواهد در یک ژانر مشخص کار کند، باید اطلاعاتش را در رابطه با ابزار آن حوزه کامل کند. مگر می‌شود که فیلمساز لئوز را نشناسد و فیلم بسازد؟ در گذشته ورود به دنیای فیلمسازی سخت‌تر بود، اما در حال حاضر که ویدئو آمده، بحث لئوزشناسی، اندازه‌های لئوز و زیبایی‌شناسی تا حدودی کنار گذاشته شده است. همه می‌گویند که تحقیق مشکل است، اما مگر تحقیق جزو فیلم نیست؟ در سینمای مستند تحقیق از ارکان اساسی است، البته باید گفت هر تحقیقی هم تحقیق نیست. تحقیق باید به‌صورت تحلیلی باشد. تحقیق فانا یکسری اطلاعات کلی است، اما این‌که در آن به‌دندان چه مفهومی ناشیم، مهم است. تحقیق مراحل مختلفی دارد، اما مرحله‌ای که در سینمای مستند اهمیت زیادی دارد، تحقیق در مورد لوکیشن است.

3 نهادهایی که فیلم می‌سازند معمولاً به دو صورت عمل می‌کنند یا یک برگه کاغذ به عنوان ایده دارند یا طرح یا یک کتابچه قطور. کمتر مستندسازی پیدا می‌شود که با کانسپت، طرح و تحقیق جلو برود. من در اروپا دیده‌ام که ۲۰ درصد بودجه فیلم‌ها برای تحقیق کنار گذاشته می‌شود. ۶۰ درصد بودجه را هم برای تولید فیلم اختصاص می‌دهند. همین تحقیق هم باید مرحله داشته باشد. ما باید مکان‌هایی داشته باشیم که به جوان‌ها فرصت داده شود تا تجربه کسب کنند. بارها پیشنهادهایی داده‌ام که برای تحقیق، بودجه بدهند. کارگردانی مثل من که متاخر است، چطور می‌تواند ۶ ماه روی یک فیلم وقت بگذارد که بعد هم ممکن است تأیید نشود. بارها شده ایده فیلمی که امسال اکران نشده و برای سال بعد مانده، نزدیده شده است. به نظر من سرمایه‌گذاری روی تحقیق از هنر رفتن هزینه‌ها در طول پروژه جلوگیری می‌کند.



آرشیوتان را کامل کنید

کتاب‌های تخصصی سینمای مستند با تخفیف ۲۰ درصدی در جشنواره ارائه می‌شوند

از ویدئو کارگماهای تخصصی برگزار شده در دوره‌های گذشته سینما حقیقت عرضه می‌شود که قطعا برای بیگران حرفه‌ای سینمای مستند غنیمت است. در کنار این مجموعه، ویدئو آرشیو به نسبت کاملی از نشریه تخصصی «سینما حقیقت» هم برای فروش با تخفیف ویژه عرضه شده است. کتاب‌های تخصصی سینمای مستند هم که در وبسایت این غرفه جای خود را دارد. مهم‌ترین نکته عرضه این محصولات تخفیف ۲۰ درصدی آن است که مهمانان دهمین جشنواره سینما حقیقت می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

در شلوغی جشنواره و هیاهوی اکران فیلم‌ها گاهی برخی اتفاقات ویژه‌تر نگاه‌ها دور می‌ماند. یکی از این اتفاقات هم فرصت‌هایی است که در حاشیه اکران فیلم‌ها و در غرفه‌های طراحی شده در گوشه و کنار محل برگزاری فراهم آمده است. «غرفه فروش» یکی از این غرفه‌هاست که در طبقه ششم و درست جنب ستاد خری جشنواره برپا شده تا فرصتی ویژه برای آرشیوتان باشد می‌رسد چرا؟ در این غرفه علاوه بر عرضه کتاب‌های پژوهشی و تخصصی در حوزه سینما و به‌خصوص سینمای مستند، آرشیو کاملی

هم نشینی سیاست و مستند

دو روز از حضور چهره‌های سیاسی در میان مهمانان جشنواره سینماحقیقت نوشتیم. نکته‌ای که قابل پیش‌بینی بود سه روز اول محدود نمی‌ماند و می‌توان در روزهای دیگر هم نمونه‌های آن را رصد کرد. در دومین روز جشنواره، حسن فریدون برادر رئیس‌جمهور همراه با حاجت‌الله ایوبی رئیس سازمان سینمایی مهمان کاخ جشنواره بودند. نکته جالب این حضور در کنار توجه ویژه عکاسان و اصحاب رسانه به آن، حضور سرزده این دو مدیر سیاسی و سینمایی در برنامه‌های جنبی جشنواره مانند نشست نقد و بررسی فیلم‌ها بود. حسن فریدون و حاجت‌الله ایوبی را در این بازدید سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد مدیر عامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و دبیر دهمین جشنواره سینماحقیقت همراهی می‌کرد.



تداخل استقبال‌ها!



استقبال از اکران اکنون آرام‌آرام در حال سرایت به سایر بخش‌های جشنواره است. در دومین روز از جشنواره و در ست‌درست‌ترین روز برگزاری نشست «شب‌های نقد» به بهانه بررسی مستندهای حاضر در جشنواره، شاهد تراکم برنامه‌ها و تداخل برخی از این نشست‌ها بودیم. کارگاه مبسوط مربوط به مرور تجربه ساخت مستند گروهی «کارستان» که از صبح آغاز شده بود و تا عصر ادامه داشت و هم‌زمانی دقیق پایانی این نشست با زمان در نظر گرفته شده برای برگزاری نشست‌های نقد فیلم برای دقایقی علاقه‌مندان این حوزه را سردرگم کرد. البته این تداخل با توجه به کیفیت استقبال از هر دو نشست در نوع خود جالب بود، چرا که کارگاه تخصصی نادقایق پایانی با حضور و همراهی گرم حاضران در جریان بود و علاقه‌مندان به حضور در نشست‌های نقد هم ترحم تریج دادند در این دقایق پایانی از حضور در این برنامه گرم استفاده کنند. این شرایط اگر چه با عدم حضور برخی مستندسازان و لغو نشست نقد فیلم‌شان به اختلال در جدول اکران منتهی نشد، اما باید برای روزهای آینده فکری به حال آن کرد.

اتفاق روز

تهیه‌کننده یا سرمایه‌بیار!

نشست ویژه‌ای که در دومین روز از جشنواره برای مرور تجربه کار گروهی تولید مجموعه مستند «کارستان» برگزار شد و مشروع آن را در همین شماره نشریه روزانه می‌توانید بخوانید، حاشیه جالبی داشت. در بخش‌هایی از این نشست، چه از زبان مستندسازان جوان حاضر در تیم تولید و چه مستندسازان علاقه‌مند حاضر در سالن، برخی تهیه‌کننده‌ها را به سرمایه‌بیار محدود کرده و از عدم اشراف آن‌ها بر فرآیند مستندسازی خرده می‌گرفتند. شیرین برقی نورد یکی از مستندسازان جوانی بود در پاسخ به این نقطه نظر گفت: «حسن بزرگ تهیه‌کننده‌های ما یعنی مجتبی میرطهماسب و رخشان بنی‌اعتماد این بود که خودشان مستندساز بودند و شرایط بسیار ایده‌آلی را برای ما فراهم کردند، به همین دلیل هم برای فیلم‌های بعدی بدعات شده‌ام!» در همین نشست یکی از مستندسازانی که ابراز تمایل می‌کرد با این تهیه‌کنندگان همکاری کند، خواست مجتبی میرطهماسب به شرایط لازم برای تحقق این همکاری در قالب قسمت‌های بعدی مستندهای «کارستان» اشاره کند که این گونه از این مستندساز با سابقه پاسخ دریافت کرد: «بهتر است از راه‌حل پیشنهادی کارستان استفاده کنید، نه خود کارستان.»

ستاره‌های مستندباز



بازار آمدوشد چهره‌های سینمایی در جشنواره‌های سینمایی همواره داغ است و نمی‌توان به‌عنوان اتفاق روی آن دست گذاشت، اما اتفاق جالبی که در جشنواره سینماحقیقت شاهد آن هستیم، حضور چهره‌های شناخته‌شده سینما در قامت مخاطب فیلم مستند است. این که در دوروز ابتدایی جشنواره چهره‌هایی مانند کرمانتی، رخشان بنی‌اعتماد، پناه هنرگرایی و... به بهانه اکران آثارشان حضوری پیگیر در برزیس چارسو داشته‌اند، اتفاقی طبیعی است، اما جالب است بدانید طبعی از هم‌مندان این چهره‌ها به‌عنوان مخاطب به تماشای فیلم‌ها می‌نشینند، از فیلمسازانی مانند نرگس آبیاری، ابوالحسن داوودی، مجید برزگر و منبزه حکمت گرفته تا بازگرنانی مانند هومن برقی نورد، جهانمبخش سلطانی و پانته‌ا پناهی‌ها که در دوروز ابتدایی پای تماشای آثار همکاران‌شان نشستند. این جنس استقبال حس و حال خوبی دارد و می‌توان مطمئن بود در روزهای باقی‌مانده از جشنواره بیشتر شاهدان خواهیم بود.

خبر روز

چهره‌ها



مصطفی آل احمد پژوهش مینیما

«گروگ» مستندی ۲۲ دقیقه‌ای است که مصطفی آل احمد با انکار پژوهشی دولانی آن را از زبانی مینیمال به سرانجام رسانده و امروز می‌تواند شاهد رونمایی از آن در جشنواره باشد.



بهناش سانعی‌ها دیپلماسی و احتمال

سال گذشته ما فیلم سینمایی «اخته‌ال» را از اسدی در جشنواره فیلم فجر خوش درخشید و حالا سراغ مستندسازی آمده و فیلم «دیپلماسی» شکست‌ناپذیر برای نادری «راه جشنواره» رسانده است.



محمد کارت آواناز با کارت

از مستندسازان جوانی است که غالباً سوزهای جسورانه‌ای را برای مستندسازی انتخاب می‌کند و به همین دلیل هم آثارش معمولاً واکنش برانگیز است. از محمد کارت امروز اولین‌زونه برده جشنواره می‌شود.

A Report on Nights of Criticism

Like every night, after screening of films, criticism (Q & A) sessions were held in Charsou Cineplex. Yesterday night, criticism (Q & A) sessions of three films were held with presence of its directors, and a film critic. The first session went for "Six Eyes" directed by Mohammad Shirvani, and Shabnam Mirzaynolabedin was the film critic of the session. The film is like other recent works of Shirvani about blind women. "A Man Who Goes with Rabbits" was the next film which was directed by Farhad Bordbar.



از شعر تا سیاست

چهار فیلم در دومین شب نقد سینما حقیقت بررسی شدند

- مجری کارشناس شب دوم: محمد رضا مقدسیان
- منتقد شب دوم: شبنم میرزین العابدین

شش چشم

- موضوع مستند: عروایت از شرایط عزن نابینا
- کارگردان: محمد شیروانی

شیروانی | چند سال قبل مستند بلند ایزدبیکه درباره هفت فیلمساز زن نابینا ساخته بودم و سال‌ها بعد از آن فیلم که به نظرم بیشتر روایت محور بود، آمدم در فیلم دیگری، با ۶ قصه که روایی بودند، رفتاری غیرروایی کردم و حالا شما به عنوان مخاطب مختارید و دیگر دتان به تصاویر را انتخاب کنید. هر چند من با صدا شما را در بخش‌هایی به سمت تصمیم خاصی هدایت می‌کنم، اما در نهایت این مخاطب است که دست به انتخاب می‌زند. به عنوان یک فیلمساز تجربی مدام می‌خواهم فرم خود را بشکنم و در قالبی که برای خودم ساختم، اسیر نشوم. «شش چشم» از دل فیلم قبلی من بیرون آمده است، اما تجربه قبلی را در آن تکرار نکرده‌ام. فیلم شما را به صورت ناخودآگاه در جایگاه یک نابینا قرار می‌دهد. به عنوان فیلمساز درست است که کار اصلی ما با تصویر است، اما معمولاً احساس‌های دیگر به خصوص شنیدن و صدا را نادیده می‌گیریم. این همان نکته‌ای است که عباس کیارستمی سال‌ها درباره اهمیت مقله صدا در سینما برای ما مطرح کرد و بهتر است کمی جدی‌تر به آن فکر کنیم. خاطره‌ای دارم از زمانی که عباس کیارستمی در حال ساخت «شیرین» بود و به او پیشنهاد دادم که کاش آن رانه در قالب یک فیلم سینمایی که به صورت یک اثر تجسمی و ویدئوآرت عرضه می‌کرد، مستند «شش چشم» شاید به نوعی اجرایی از همان پیشنهاد به کیارستمی باشد.

میرزین العابدین | پیش‌تر در فیلم «شب روی زمین» ما چرمش این فضا را دیده بودم که یک نابینا خیلی بهتر از ما که چشم داریم می‌تواند سینما را درک کند. وقتی بینایی به عنوان یکی از حس‌های اصلی ما از بین می‌رود، گویی حس‌های دیگر قوی‌تر می‌شوند. مانند کاراکتری در فیلم «شش چشم» که می‌گوید «من را شنوید». این فیلم بیشتر شبیه ویدئوآرت بود و فکر می‌کنم در همین مختصات باید آن را نقد و تحلیل کرد. هر یک از کاراکترهای فیلم زندگی متفاوتی دارند، اما در نقطه‌ای زندگی‌شان به اشتراک می‌رسد و کنار آمدن آن‌ها با یک نقص تبدیل به وجه اشتراک‌شان می‌شود.

مردی که با خرگوش‌های مرد

- موضوع مستند: تلاش مردی برای ثبت رکوردی در گینس
- کارگردان: فرهاد بردبار

بردبار | ساخت این فیلم را چهار سال پیش آغاز کردم. خبری را در تلویزیون از آدم با استعدادی در فوتبال دیدم که از دو پا قلع است و کارهای یک فوتبالیست حرفه‌ای را با عصای چوبی انجام می‌داد. این سوژه برای من جالب بود و زمانی که با قصد آقای صادقی برای ثبت رکورد در گینس مواجه شدم آن را خط اصلی داستان در نظر گرفتم و بعد در ادامه شاخه‌های فرعی به آن اضافه و تبدیل به فیلمی شد که امروز بر پرده می‌بینید. درباره زمان فیلم برایم سخت است که بخواهم قضاوت کنم بلند است یا کوتاه، چرا که بارها آن را دیدم. در تدوین اولیه همه حواشی حذف شده بود و تمرکز فیلم روی ثبت رکورد بود. تدوینگر من هم رمان نویس بود، وقتی فیلم را دیدم به او گفتم قدم این نیست که یک فیلم ورزشی بسازم. تلاش و رابطه‌ای که او با همسر و فرزندش دارد برایم حایز اهمیت است. به همین دلیل با موافقت تدوینگر روایت را تغییر دادم که به نظر روایت بهتری شده است. البته روایت اصلی همچنان همان ثبت رکورد در گینس است و باقی مباحث به صورت روایت‌های فرعی به فیلم اضافه شد.

میرزین العابدین | این که شما چند مضمون را وارد روایت اصلی فیلم درباره آقای صادقی کردید، خودبه‌خود ذهن مخاطب را به دلیل طولانی بودن، ارجاعات مکرر و بدون موتیف تکرار شونده، از سوژه اصلی دور می‌کند. رضایت گرفتن از خانواده پسریجه تا بحث تلاش برای ثبت رکورد و ساز زدن کودک و دیگر روایت‌های فرعی در فیلم مطرح می‌شود. احساسم از تماشای فیلم این بود که می‌تواند محصول روایت ذهن یک داستان‌نویس باشد، به همین دلیل می‌توانم رفتن روایت اصلی سراغ روایت‌های فرعی و حاشیه‌ای را درک کنم، اما فکر می‌کنم در مجموع این روایت‌های پراکنده به یک انسجام نرسیده است. به عنوان یک مخاطب جدی سینما، فارغ از مباحث تکنیکی احساس می‌کنم باید نشانه‌شناسی موجود در گفتار و نوشتار شما تبدیل به بیان تصویر می‌شد و این جا شاید به دلیل این که فیلمساز می‌خواسته تمام حواشی در روایت وجود داشته باشد، این کدگذاری و کدگذاری از دست می‌رود. این پراکندگی بیش از حد می‌توانست سرانجام به یکنواختی و انسجام در روایت منتهی شود که این اتفاق متأسفانه در فیلم رخ نمی‌دهد و مخاطب احساس می‌کند برخی از روایت‌های فرعی به‌طور کامل قابل حذف است.

صفر تا سکو

- موضوع مستند: زندگی سه خواهر ووشوکار
- کارگردان: سحر مصیمی

مصیمی | سه سال پیش می‌خواستم یک فیلم اکشن کوتاه کار کنم که با این خواهران ووشوکار آشنا شدم و از آن‌جا باب آشنایی باز شد و احساس کردم حیف است اراده این خانواده و به خصوص این سه خواهر را به تصویر درنیاورم. تمهاردی که در خانواده آن‌ها وجود دارد به جز برادر کوچک‌تری که حضور کمی در خانواده داشت، امید بود. امید به عنوان یک کاراکتر روستایی بیش از اندازه روشنفکر است و فکر می‌کنم حضور او در فیلم آن قدر پررنگ است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. فکر نمی‌کنم کاراکتر امید شخصیت کوچکی باشد. یک سال پیش از ساخت این فیلم با این خانواده رابطه دوستانه داشتم و همین رابطه کمک بسیار زیادی کرد که به این خانواده نزدیک شوم.

مهتاب کرامتی | تهیه‌کننده | یکی از دلایلی که سمت ساخت این مستند رفتیم، انگیزه و انرژی خود خواهران منصوریان بود که به صورت یک موج ما را با خود پیش بردند و نزدیک به سه سال همه ما هم زندگی کردیم. چیزی که در این فیلم جلب توجه می‌کند، همین لحظات صمیمی حضور این دوستان مقابل دوربین ما است که به مخاطب این اجازه را می‌دهد به راحتی با آن‌ها همراه شود. فکر می‌کنم این مستند تنها درباره دختران و زنان ورزشکار نیست بلکه درباره همه ما زن‌هاست که به خط خوردن عادت کرده‌ایم. چقدر خوب است که ببینیم می‌توان به این شرایط عادت نکرد. البته فیلم ما اصلاً نگاه فمینیستی ندارد و فقط می‌خواهیم بگوییم می‌توانیم هم‌پای مردها در صحنه حضور داشته باشیم. به زنان ما به خصوص در میدان ورزش مواهظ ظلم شده و فکر می‌کنم زنان ورزشکار و هنرمند ما نیاز به حمایت دارند و در عین حال خودشان هم نباید از خط خوردن هراس داشته باشند.

میرزین العابدین | در مواجهه با فیلم کاملاً مشخص است که ما با خانواده‌ای مواجه هستیم که دشواری‌های بسیاری را پشت سر گذاشته‌اند تا به یک روشنی‌ای امید دست پیدا کنند. هدفمندی این کاراکترها بسیار برای من جالب بود، به خصوص که این هدفمندی فردی هم نیست و جنبه ایثار و نوع دوستی در آن پررنگ بود. در عین حال درست است که این فیلم روایت سه خواهر است اما قرار نیست مرد تاین اندازه در روایت ما کم‌رنگ باشد. دوست داشتم در جایی وقتی این تلاش صورت می‌گیرد، اصلاح هم به دنبال آن بیاید. درست این است که خانم‌ها جایگاه ستون در خانواده را دارند و ما در مواجهه با یک خانواده وظیفه داریم یک‌دست به همه آن‌ها نگاه کنیم.

A Project with a Common Vision

Designers and researchers of Karestan Documentary Series talked about the way of shaping this project from idea to performance in two workshops. Karestan Documentary Series has been produced by idea of Rakhshan Bani Etemad and Mojtaba Mirtahmasb which included six documentaries with the subject of personal business. They were selected by "Women and Youth Entrepreneurs Development" Institute. On the second day of the festival, two workshops were held with the subjects of these documentaries.



پروژه‌ای بایک نگاه مشترک

طراحان و پژوهشگران مجموعه مستند کارستان در دو کارگاه از چگونگی ساخت این پروژه از مرحله ایده تا اجرا گفتند

سارا شمیرانی

Sara.shemirani66@gmail.com

- کارگاه صبح: طراحی تولید برای بخش با حذف شیوه سود در تولید
- مهمانان: رخشان بنی اعتماد، مجتبی میر طهماسب، فیروزه صابر
- کارگاه ظهر: تجربه کارستان، ارتباط حرفه‌ای از تولید تا بخش با هدف از تباط با مخاطب
- مهمانان: محسن عبدالوهاب، بهرام عظیم پور، مهناز افشلی، شیرین برق نورد، مهدی گنجی

مجموعه مستندهای کارستان که با طرح و ایده رخشان بنی اعتماد و مجتبی میر طهماسب تولید شده، شامل ۶ مستند از ۵ کارگردان است. مستندهایی با موضوع کسب و کار و با سوژه‌هایی که موسسه «توسعه کار آفرینان زنان و جوانان» انتخاب کرده است. در دومین روز جشنواره، دو کارگاه با موضوع این مستندها برگزار شد. مدبریت کارگاه اول با مدبریت زهرا عمرانی، یکی از پژوهشگران مجموعه کارستان و کارگاه دوم با مدبریت امیر حسن ثنائی، روابط عمومی این مجموعه برگزار شد. در کارگاه دوم پنج کارگردان مجموعه مستندهای کارستان حضور داشتند.

■ **رخشان بنی اعتماد** زمانی که قرار بود این پروژه را شروع کنم، هنوز اسمی برای آن انتخاب نکرده بودیم. من ابعاد کار را نمی‌شناختم و واقعیت هم این بود که علاقه‌ای برای شناخت کار تولید نداشتم. چون اصولاً تهیه کنندگی جزو علائق من نیست. اما وقتی بیشتر روی این مسئله تمرکز کردم، جذابیت کار برایم دوچندان شد. من فیروزه صابر را ۳۰ سال است که می‌شناسم و از طریق او بود که با موسسه کار آفرینان زنان و جوانان آشنا شدم. در جامعه، دغدغه جوانان در خصوص مسئله موفقیت و اطمینی بود که توجه مرا به خودش جلب می‌کرد. آدم‌هایی که صرفاً به پولدار شدن فکر نمی‌کردند و موفقیت برای شان اهمیت بیشتری داشت. وقتی کار تحقیقاتی شروع شد، برای ما مهم بود که در کنار کارگردان‌هایی فیلم را بسازیم که نگاه مشترکی نسبت به موضوع دارند. البته از اول فراموش نبودیم، اما تمام سوژه‌ها انقدر ویژه و مهم بودند که در کنار هم معنا پیدا می‌کردند. از طرف دیگر همکاری ما با موسسه توسعه کار آفرینان جوانان و زنان تنها تبادل سوژه نبود، بلکه برای به اشتراک گذاشتن تجربیاتمان کار را با آن‌ها آغاز کردیم. این نکته را هم باید بگویم که مجموعه مستند کارستان می‌توانست در رده کارهای مسئولان فرهنگی قرار بگیرد، چرا که موضوع آن به شدت ویژه و مهم بود. اما چنین اتفاقی پیش نیامد و باعث نشد ما مدام درباره آن حرف بزنیم. در پایان هم گفتن یک نکته را ضروری می‌دانم، دوستانی که در این پروژه حضور داشتند، بارها در مورد رفاقت و آشنایی در کاری که شروع کردیم، حرف زدند که ما با هم این جای یک سو، نگاه را بر طرف کنیم. بعضی وقت‌ها این رفاقت برای محال و دیگر فیلمسازهای جوان به یادباری تعریف می‌شود، اما این رفاقت به معنای شناخت ماز یکدیگر است.

■ **مجتبی میر طهماسب** شیوه‌های متفاوتی برای فیلمسازی وجود دارد. اما نگاه مشترک ما درباره موضوعات باعث شد یک تیم خوب در کنار هم قرار بگیرد. از ابتدا که کار شروع شد، ما به تاثیرگذاری موضوعات فکر کردیم. جامعه ما این روزها انقدر نیازمند الگو است که خیلی زود باید سراغ ساخت چنین پروژه‌ای می‌رفتیم. شیوه‌هایی که ما برای ساخت پروژه انتخاب کرده بودیم، اهمیت ویژه داشت. اما اشتراکاتمان در این زمینه باعث شد همه چیز خیلی خوب پیش برود. از طرفی برای تولید، حداقل‌هایی نیاز بود که باعث شد ما سراغ حامیان مالی برویم. البته در مورد جذب حامیان مالی مشکلاتی وجود داشت، اما این موضوع از انگیزه ما کم نکرد که استانداردها را رعایت نکنیم. بعد هم که فیلم ساخته شد. مهم‌ترین موضوع، بخش درست فیلم‌هاست تا بتوانیم تأثیری که از اول قرار بود روی مخاطب بگذاریم، به سرانجام برسانیم.

■ **فیروزه صابر** ابعاد آشنایی طولانی من با رخشان بنی اعتماد در نهایت بهمین ماه سال ۹۲ کار تحقیق و پژوهش در مورد پروژه کارستان را شروع کردیم. نکته مهم درباره کار کردن با تیم سازنده کارستان، وجود خط‌فرم‌های مشترکی بود که هر دو ما آن را داشتیم و برایش ارزش زیادی قائل بودیم. البته نگاه ما به معنی وقت‌ها به خصوص در مورد محتوای فیلم تغییر می‌کرد، اما به این معنا نبود که اختلاف سلیقه ما را از بحث اصلی دور کند.

■ **محسن عبدالوهاب** من سال‌ها پیش مستندی درباره موسسه محک ساخته بودم و همین موضوع باعث می‌شد ساخت مستندی درباره سعیده قدس را دوست داشته باشم. در مورد مجموعه مستندهای کارستان این شبانه پیش می‌آید که چون این کار تهیه‌کننده مشخصی داشته، سفارشی بوده است. درست

است که در این کار تمام حیطه‌های کاری مشخص شده بود، اما همه چیز تعاملی پیش رفت و هیچ محدودیتی وجود نداشت. پس به جرأت می‌توانم بگویم نیمی از این کار، نتیجه تلاش من است و بقیه به گروه طراحان و پژوهشگران تعلق دارد.

■ **مهناز افشلی** در همه جای دنیا سینمای مستقل وجود دارد، اما در ایران این امکان کمتر فراهم می‌شود. تهیه‌کننده‌ای که ایده دارد، فکر می‌کند و برای همه کار، طراحی در نظر دارد و خیلی چیزها به همراه دارد که باعث می‌شود یک اثر به بهترین شکل ساخته شود. رخشان بنی اعتماد از نظر من قله سینماست و مجتبی میر طهماسب یکی از بهترین تهیه‌کننده‌هایی است که در ایران وجود دارد. در نتیجه مجموع این اتفاقات باعث می‌شد این کار برای کارگردان‌ها دلچسب باشد.

■ **بهرام عظیم پور** وقتی حرف فیلم‌های سفارشی به میان می‌آید، ناخودآگاه همه نگاه‌ها سمت یک فیلم سیاسی می‌رود. این واژه به خودی خود دارای بار منفی است، اما فکر می‌کنم ما نباید آن را در سینمای مستند به کار ببریم. سفارشی بودن یعنی داشتن حداقل‌ها و نداشتن آزادی عمل. اما در مجموعه کارستان این اتفاق به هیچ وجه وجود نداشت.

■ **شیرین برق نورد** سوژه‌ای که در مجموعه مستند کارستان به آن پرداختیم به شدت به چیزی که سال‌ها در ذهن داشتیم، نزدیک بود. من پس از سال‌ها زندگی در خارج از کشور ترجیح دادم به کشورم برگردم و این‌جا کارم را ادامه دهم. شیرین پاریس هم که به زندگی‌اش در یکی از این مستندها پرداختیم، دقیقاً همین وضعیت را داشت. او بعد از سال‌ها زندگی در فرانسه به ایران آمده بود و فهمیدن تفکرات او و نشان دادن آن چه در ذهنش می‌گذشت، شیرین‌ترین بخشی بود که من سعی کردم آن را از طریق تصویر نشان دهم.

■ **مهدی گنجی** وقتی حرف از کار سفارشی می‌شود، حس ناخوشایندی به آدم دست می‌دهد. در صورتی که سفارشی کار کردن به این معنا نیست که ما مستقل نبودیم، ضمن این که سال‌ها رفاقت و آشنایی ۱۷ سال تلاش در سنمای مستند باعث شد کار با چنین گروه درستی نیسب من شود. خیلی وقت‌ها می‌گویند رفاقت باعث شده ما چنین موقعیتی به دست بیاوریم. اما من این حرف را قبول ندارم. من سال‌ها کار کردم، مستند ساختم و تلاش کردم به جایی برسم که حرفی برای گفتن داشته باشم و تهیه‌کننده را مجاب کنم که برای ساخت کارهایش سراغم نیاید.



Yes to Subject, No to Design!

Sam Kalantari, is the member of Selection Committee of Iran Competition (Half-Length Documentaries). He talked about some points about the quality of received works. Kalantari is a photographer and documentarist and has considered rather than 200 documentaries with other members of Selection Committee. He believes that in this edition of Cinema-Ve-ite Film Festival, received films experienced backward technically, but they improved in research. In addition, positive points of digital cinema are numerous and filmmakers should pay more attention to its positive sides more than negative sides of technology. "There are many years passed from arrival of new technology to cinema. Before feature filmmakers, short filmmakers and documentarists started to use digital technology and welcomed it.

عدم توجه به طراحی

متأسفانه در فیلم‌های اجتماعی ما طراحی کمتر دیده می‌شود و فیلمسازان ریتم تدوین بد است، گاه صداگذاری هم ندارد، صرف این که دست گذاشته‌ایم روی معضل داغ جامعه خودا وقتی برخی از این فیلم‌ها در دنیا دیده می‌شوند، جایزه می‌گیرند، متری برای نقیه مستندسازان می‌شود که آن‌ها هم به این شکل فیلم بسازند. وقتی فکر کنند با یک سوژه ملتهب و داغ هر چند خوب-می‌توانند فیلمی بسازند که دیده شود، آن فیلم تبدیل به متر می‌شود و همه سعی می‌کنند آن‌ها را جلو ببرند و وقت برای طراحی فیلم نگذارند. البته دلایل زیادی در بحث تکنیکی دخیل هستند که زمان باید بگذرد تا در بابیم ریشه‌های اصلی این موضوع چیست، شاید این تفکر که ثبت واقعیت مستند است، دلیل این امر باشد یا تکنولوژی دیجیتال ما را تسلیل کرده است. هر چند من این را قبول ندارم و معتقدم نکات مثبت سینمای دیجیتال بیشتر از منفی آن است اما شاید توجه بعضی از هم‌نسلان ما و نسل بعد ما به نکات منفی آن باعث شده این اتفاقات شکل بگیرد.

جشنواره سینما حقیقت متر و معیار است

از دیدگاه من فیلم سالم، فیلمی است که چند پارامتر را رعایت کرده باشد؛ فیلمساز تواسته باشد ایدش را به زبان تصویر برگرداند و آن زبان تصویر به صورت استاندارد قصه و خط مستند را بیان کرده و به تصویر کشیده باشد. ما در بخش فیلم‌های نیمه‌بلند اگر فیلمی با سوژه خوب بود، ولی نکات فوق در آن رعایت نشده بود را با همفکری و هماهنگی هم کنار می‌گذاشتیم، چراکه جشنواره سینما حقیقت متر است. اگر ما فیلمی را انتخاب کنیم که در این حوزه‌ها دچار مشکل باشد و بالا بیاید دیده شود و به هر دلیل این دیده‌شدن باعث شود اتفاق مهمی برای فیلم بیفتد، ما در این که آن فیلم را تبدیل به متری برای سینمای مستند ایران کرده‌ایم که سعی کردیم این کار را نکنیم. فیلم مستند از روی کاغذ شکل می‌گیرد، مثل فیلم داستانی طراحی می‌شود و دقیقاً باید نکات لازم برای دیده‌شدن را داشته باشد.

اکران هنر و تجربه معضل سینمای ایران

بحث دیگر مربوط به اکران فیلم‌های مستند و نحوه دیده شدن آن‌ها داخل کشور است. نکته‌ای که طی چند سال اخیر در گروه هنر و تجربه پیگیری می‌شود، من معتقد نیستم که هنر و تجربه به سینمای مستند کمک می‌کند. در حال حاضر بچه ناقص الخلقه‌ای به وجود آمده که این بچه را باید درست بزرگ کرد. اتفاق اشتباهی که در این گروه می‌افتد باید اصلاح شود و ریل‌گذاری در مسیر درست صورت گیرد. گروه هنر و تجربه با یک ایده خوب شکل گرفت و الان بزرگ‌ترین معضل سینمای ما -چه مستند و چه داستانی- همین اکران هنر و تجربه است. گروه هنر و تجربه با این شکل فعلی نه تنها نمی‌تواند برای سینمای داستانی مفید باشد، بلکه برای مستند هم هیچ کاری نمی‌تواند بکند.

اعتراض به رأی هیات انتخاب

اما در این میان و فارغ از بررسی فیلم‌های ارسالی به جشنواره نکته‌ای که می‌توان بر آن متمرکز شد، اعتراض فیلمسازان به بدبختی نشدن فیلم‌هایشان در جشنواره است. هر کس بر این تصور است که او بهترین فیلم را ساخته و از این بابت برای خود حق اعتراض قائل است. این اتفاق در هیچ فستیوال خارجی رخ نمی‌دهد و باید فیلمسازان در زمینه واکنش به انتخاب نشدن فیلم‌هایشان تجدید نظر کنند.

نکته قابل تامل

در زمینه فیلم‌ها

پیشرفت

فیلمسازان در

پژوهش است.

ما مستندسازها

دریافته‌ایم

که پژوهش

رکن مهم

مستندسازی

است، اما در

مباحث فنی، ما

سینمای روز دنیا

به شدت عقب

هستیم

پیشرفت در پژوهش عقب ماندن در تکنیک

سام کلانتری عضو هیات انتخاب بخش مسابقه ملی (مستندهای نیمه‌بلند) در یادداشتی ضمن توضیح درباره کم و کیف آثار رسیده به چند نکته دیگر اشاره کرده است

لیلا علیپور

lepasama@gmail.com

سام کلانتری عکاس و مستندساز است. او در جشنواره سینما حقیقت امسال عضو هیات انتخاب بخش فیلم‌های نیمه‌بلند بود. کلانتری به همراه دیگر اعضای این هیات بیش از ۲۰۰ فیلم از سال شده به جشنواره سینما حقیقت را مورد بررسی قرار دادند. او کیفیت فیلم‌های ارسالی برای جشنواره امسال را به لحاظ فنی نسبت به سال‌ها قبل به نوعی عقب‌گرد می‌داند اما در زمینه کارهای پژوهشی معتقد است رشد و بالندگی اتفاق افتاده است. کلانتری معتقد است نکات مثبت سینمای دیجیتال زیاد است و فیلمسازان باید به نکات مثبت آن توجه کنند و نه جنبه منفی تکنولوژی: «سال‌ها از ورود تکنولوژی جدید به سینما می‌گذرد و قبل از سینمای داستانی این سازندگان فیلم‌های مستند و کوتاه بودند که به استفاده از تکنولوژی دیجیتال روی آوردند و از آن استقبال کردند.» متن کامل یادداشت کلانتری به این شرح است:

۲۰۰ فیلم در دو هفته

ما در هیات انتخاب بخش مستندهای نیمه‌بلند در مدت دو هفته بیش از ۲۰۰ فیلم مستند را دیدیم. با توجه به این که در فستیوال‌های دیگر هم در هیات انتخاب و داوری بودم، سعی کردم چیزی را از قلم نیندازم و به بهترین شکل فیلم‌هایی را که خوب هستند، انتخاب کنم.

روند نزولی عقب‌ماندگی فنی

نکته قابل تامل در زمینه فیلم‌ها پیشرفت فیلمسازان در مورد پژوهش است. ما مستندسازها در یافته‌ایم که پژوهش رکن مهم مستندسازی است. این اتفاق خوبی است، اما در مباحث فنی ما از سینمای روز دنیا به شدت عقب هستیم. روند نزولی عقب‌ماندگی فنی هر سال بیش از پیش خود را نشان می‌دهد. در این دوره از جشنواره نیز پیشرفت جدی در زمینه فیلمبرداری و تدوین داشتیم که برای آن می‌توان دلایل زیادی را متصور شد. من طی ۳ سال فیلم‌های مستند را دیده‌ام، نکته‌ای که وجود دارد این است که اکثر ما مستندسازان به جای این که به فکر طراحی صحنه بلایی که می‌گیریم باشیم، با آنکه به سوژه خود فقط تصویر می‌گیریم، در فیلم‌های میان مدتی که امسال ما دیدیم، طراحی در بخش فنی ضعیف بود.

الزامات فیلم مستند فراموش نشود

ما در کشور زندگی می‌کنیم که سوژه‌های داغ اجتماعی زیاد است و اتفاقات اجتماعی جالبی در آن می‌افتد. صرف این که یک دوربین به دست بگیریم و برویم لحظات را ثبت کنیم، فیلم مستند نمی‌شود. در این میان شاید فستیوال‌های خارجی هم به این امر دامن می‌زنند. معمولاً بخشی از سینمای مستند کشور ما مورد وثوق فستیوال‌های دنیا قرار می‌گیرد که دست روی معضلات اجتماعی مان می‌گذارد. من در این زمینه بحث منفی ندارم و ایرادی بر آن وارد نمی‌دانم، شاید حتی اتفاق خوبی هم باشد اما زمانی می‌تواند خوب باشد که همه پارامترهای آن مناسب باشد.

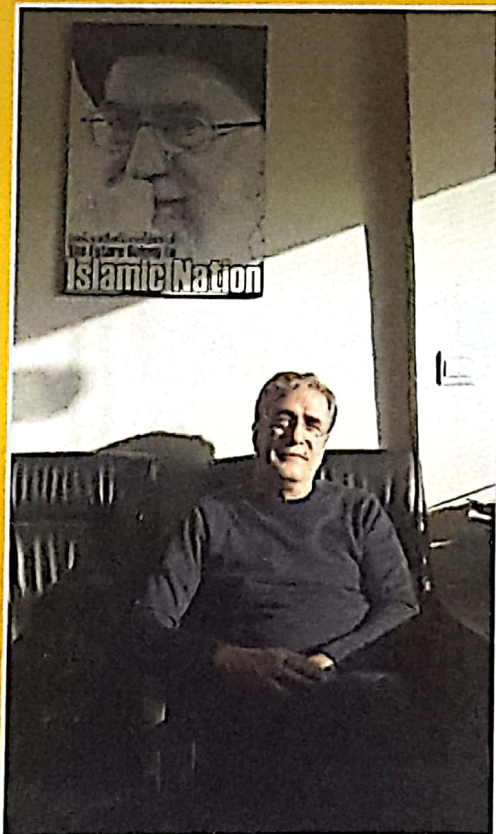
جایگاه اصلی مستند همچنان تلویزیون است

گفت و گوئی خواندنی با محمد علی فارسی فیلمساز با سابقه سینمای مستند که نگاهی کاملاً متفاوت به این مقوله دارد

محمدصادق قلوبی گوی
madigivi@gmail.com

محمد علی فارسی مستندسازی را نه به عنوان یک هنر که به عنوان یک حرفه انتخاب کرده است. یک شغل برای معاش. مستندساز پرسابقه و پرکار در این حوزه نقطه نظرات خاص خود را دارد. او به مستند به شکل کار بر دی نگاه می کند و چندان تمایلی به صحبت در مورد مسایل انتزاعی و زیباشناسانه ندارد. نگاه او دقیقاً مخالف دیدگاه مثلاً محمدرضا اصلاتی است. فارسی اهمیتی به اکران سیمایی فیلم های مستند نمی دهد و آن را تنها تلاشی بیپرده برای به رخ کشیدن و جلوه نمایی می داند. او سال ها دستیار شهید آوینی بود و تا ۴۸ سالگی نیز در فضای برنامه های مثل روایت فتح نفس می کشید و زندگی می کرد، اما به محض جدایی از این فضا متوجه شد که در دنیای بدون اسپانسر مستندسازان باید دغدغه های متفاوتی داشت. او سریع کار می کند و صریح حرف می زند. ابایی ندارد از این که سیاست بی بی سی در حمایت از مستندسازان را ستایش کند و از شیوه برخورد مدیران دولتی در ایران در برابر مقوله مستند شکایت کند، هر چند مثل اکثر مستندسازان نگاه مثبتی به مدیران مرکز گسترش دارد. در ۵۰ و چند سالگی هنوز پر حوصله صحبت می کند و برای هر سوالی جوابی بسیار خاص دارد. خاص خودش که شبیه هیچ کس نیست، از مجادله کردن در مصاحبه هم فراری نیست و تک تک سوالات را با حوصله پاسخ می دهد گفت و گو با او به مصاحبه پر جدلی تبدیل شد که خواندنش خالی از لطف نیست.

مشروح مصاحبه در صفحات ۸ و ۹



Interview

No.3. Tue, 6th Dec. 2016

CINEMA VERITE Ir an International Documentary Film Festival

7



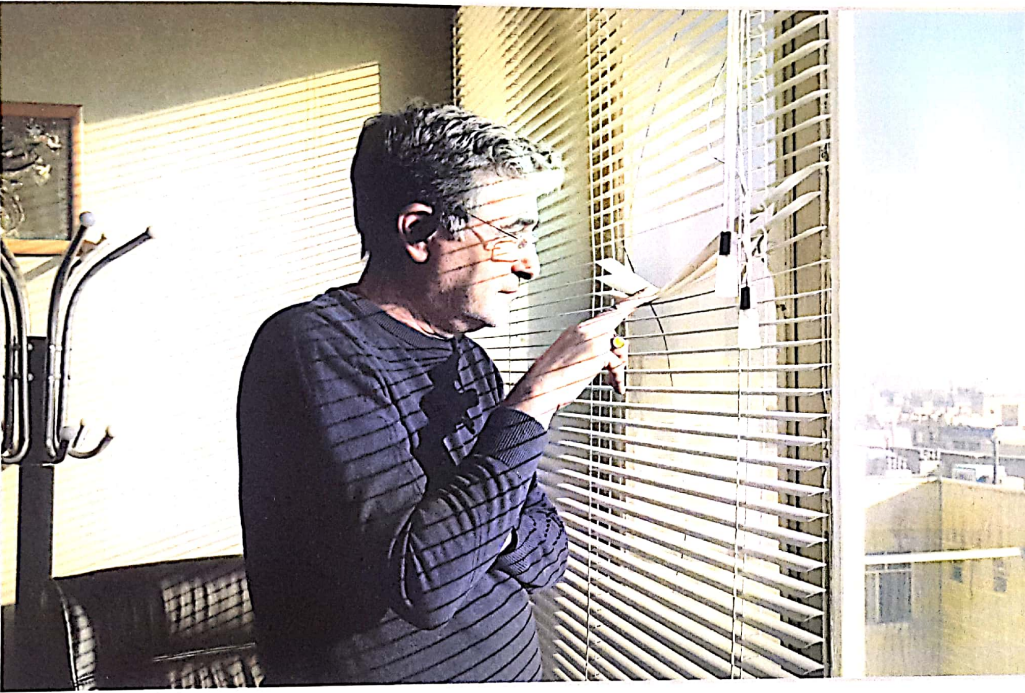
چالش انتخاب

ارزیابی مهرداد زاهدیان، عضو هیات انتخاب مستندهای بلندبخش مسابقه ملی

کارگزینش مستندهای بلند جشنواره با تماشای ۱۰۲ فیلم رسیده به این بخش آغاز شد. اما مرحله ای پیش از دیدن فیلم ها برای هیات انتخاب وجود دارد و آن رسیدن به معیارهایی مشخص برای ارزیابی و سنجش فیلم هایی است که به دبیر خاله جشنواره تحویل داده شده اند. برای تعیین معیارها در زمینه انتخاب ۲۰ فیلم از بین فیلم های رسیده به جشنواره، جلسات بحث و گفتگو گویا با حضور گروه سه نفره هیات انتخاب برگزار شد. حاصل جلسات آگاهی از نظرات بکدیگر و دستیابی به نکاتی بود که چارچوبی اساسی برای شیوه برگزاری جشنواره و ملاحظاتی آن محسوب می شود. براساس جمع بندی صورت گرفته در این جلسات، قرار بر آن شد تا فیلم هایی که واجد ارزش های سینمایی مستند هستند، مورد توجه قرار بگیرند و اگر فیلمی کم و بیش واجد این شرایط بود آن را در بخش مسابقه بگنجانیم. در اصل شیوه هیات انتخاب ایجابی است. به این معنا که ابتدا همه فیلم ها مدنظر هستند، بعد که فیلم ها بررسی می شوند هر کدام که دارای ارزش های لازم باشند، انتخاب می شوند و این برخلاف شیوه داوری است که شیوه ای سلی است. در شیوه انتخاب همه فیلم ها داخل هستند و آرام آرام کنار گذاشته می شوند تا در نهایت فیلم های برگزیده مشخص می شوند. تعداد فیلم های انتخاب شده نیز به محدودیت های زمانی جشنواره بستگی دارد و اگر باکس نمایش فیلم ها جایی برای فیلم های بیشتر داشت نه سراغ فهرست رزرو رفته و آن فیلم ها به مجموعه اضافه می شوند. به این ترتیب، فهرست ۲۷ تایی فیلم ها شکل گرفت و پس از بارنگری فیلم ها، این فهرست به ۲۰ اثر افزایش یافت. هیات انتخاب توجه ویژه ای به فیلم های مستقل داشت. تعریف از فیلم مستقل در اصل یافتن استقلال در نگاه فیلمساز بود. به این معنا که امکان آن وجود داشت فیلمی با حمایت مالی سازمان یا مرکزی ساخته شده باشد، اما کارگردان نگاه خود را به موضوع حاکم کرده است. به طور مثال در بین فیلم هایی که انتخاب کرده ایم، فیلمی بود که نهادی از ساختن حمایت کرده بود، ولی در عمل فیلمی که ساخته شده بود در تصدیق نظرات آن نهاد حرکت نمی کرد، بلکه فیلمساز دنبال مسأله خودش در فیلم بود. اگر خواهیم به لحاظ تکنیکی فیلم ها را بررسی کنیم، ابتدا باید این را مدنظر قرار دهیم که معمولاً در جشنواره ها چهار تا پنج فیلم خیلی خوب می توان پیدا کرد. منظور از فیلم خیلی خوب را نیز چنین می توان شرح داد: اول طرح و برنامه دقیقی برای فیلم وجود دارد، دوم تسم اجرایی را دقیق انتخاب کرده اند، سوم به لحظه ها و صحنه ها خوب فکر کرده و دقیق شده اند. در میان آثاری که به جشنواره ارسال رسیده بود، اگر آن چند فیلم شاخص را کنار بگذاریم، به یک گروه از فیلم ها می رسیم که با یک طرح دقیق و برنامه ریزی مشخص جلو نرفته بودند. طبیعتاً این طرح و برنامه نه فقط در مورد ملاحظات ماهوی فیلم است، بلکه ملاحظات فنی و تکنیکال را هم شامل می شود. به نظر می رسد آن گروه از فیلم ها در این ماجرا خیلی دقت و حساسیت برای ساختنشان به خرج داده نشده بود.

I Never Make Documentary for Awards

Mohammad Ali Farsi is one of the documentarists who look at his profession as an occupation to pass his living and he almost is content of it. He is accused to make series but he doesn't afraid of these kinds of words and he powerfully continues his work. He doesn't believe in documentary public screening and he thinks that attempts for this issue is a kind of boasting ourselves. He said that if a documentary be made with all of your feelings, it would take several years while you cannot live in this way. He has been director assistant of Martyr Avini for many years and he admires supporting of BBC with documentary, so he is like the other documentaries wishes to have more understanding among managers; although all of them believe that situation of DEFC is different. "I never make films for awards but I know many who ambush for going to scene; maybe they are ready to sacrifice whole of their life but prefer to go on the stage and take an award!



■ آقای فارسی، شما جزو مستندسازانی هستید که در طول جشنواره سینما حقیقت جوایز زیادی گرفتید، ممکن است کسانی که این مصاحبه را می‌خوانند برای نخستین بار باشد که با شما آشنا شده‌اند، برای کدام فیلم‌های تان جایزه گرفته‌اید؟

■ دقیقاً یاد نیست، اما برای حقیقت گمشده، معجون، رستاخیز، مهاجران و... اساساً بعد از ۹ دوره برگزاری رابطه‌تان با جشنواره چطور است؟ خیلی با جشنواره‌ها رابطه خوبی ندارم معمولاً تهیه‌کننده‌ها فیلم‌ها را می‌فرستند، بعضی صاحبان سرمایه مثل تلویزیون، حوزه هنری یا مرکز گسترش من بادم نمی‌آید خودم به جشنواره فیلم فرستاده باشم، حتی زمانی که در موسسه روایت فتح بودم، مدیران فیلم‌های بدون تیتراژ را به جشنواره می‌فرستادند تازه وقتی به موسسه خبر داده می‌شد که فیلم جایزه گرفته است، بکی را می‌فرستادند تا آن را بگیرد، شهید اوینی تصویری از جشنواره برای ما ساخته بود که انگار به آن انرژی دارم البته وقتی بعد از سال‌ها از موسسه روایت فتح بیرون آمدم، تازه فهمیدم که کسی را در حوزه مستند نمی‌شناسم و اگر بخوام حتی برای گذران زندگی کار کنم، باید نمونه اثر ببرم بعد از آن برابرم مهم شد که فیلم‌هایم دیده شود تا کارم پیش‌مدبران گیر نکند.

■ اصلاً باور کردنی نیست که شما هم دچار مشکلاتی از این دست شده باشید، چون تصور عمومی بر این است که فیلمسازانی مثل شما با آن سابقه طولانی در روایت فتح، کارشان راحت‌تر باشد.

کاملاً تصور اشتباهی است. شما مستندسازی را پیدا نمی‌کنید که به عنوان مثلاً همسویی با نگاه حاکمیت، کارش راحت‌تر باشد. من وقتی نابین خصال خام از روایت فتح جدا شدم که مشکلات زندگی را حل کنم، برمی‌تختی کاملاً دیدم مناسبات جهانی بیرون طور دیگری است. بله بدون کار ۱۵ درصد قضایه است،

مهم است. سال‌هاست به من می‌گویند که فارسی فیلم نمی‌سازد و ویدئو کبابی می‌سازد. اما همین ویدئو کبابی‌ها از تلویزیون بخش می‌شود و بیرون می‌آید. مثلاً یک مجموعه راجع به خیرین سفارش می‌گیرم، بخش می‌کنم بین چند نفر که کار بلدند و نظارت می‌کنم. فیلم هم از همه شبکه‌ها بخش می‌شود و بالاخره دوزار تأثیر می‌گذارد.

■ پس شما هم به این که فیلم دیده شود، اعتقاد دارید؟ تأثیرش نه به خاطر خودم بلکه در دو ساله است. یک زمان مهم است که اسمم دیده شود، یک زمان مهم است که اسمم دیده شود تا تأثیر بگذارد. در صورت دوم خیلی هم برابرم مهم است، برای همه مهم است که کارشان دیده شود...

■ شما می‌گویید برای همه مهم است، اما شرایط بخش وجود ندارد. تلویزیون فیلم‌های شما را بخش می‌کند، اما هیچ وقت به فکر اکران بوده‌اید؟

صادقانه بگویم نه، من جزو معدود مستندسازانی هستم که می‌گویم جایگاه مستند فقط تلویزیون است. من می‌گویم که این چه خصلتی است که بچه‌های مستندساز، در جشنواره فجر اعتراض می‌کنند که چرا سالن خالی است، این چه اصراری است که فیلمت را بی‌ری در جایی که محل عرضه فیلم داستانی است و گیر بدهی که چرا سالن خالی است؟

■ این از آن جایی می‌آید که قسمت مهمی از مستندهای دنیا اکران می‌شوند، چون سینمایی است.

بستگی دارد. مثلاً مایکل مور یا رول مورس باشد یا نه، من مستندی دیدم از یک مستندساز چینی، یک فیلم تکان‌دهنده، بعد مصاحبه‌ای از کارگردان خواندم که می‌گفت فیلم را در فلاکت کامل ساخته‌است و با هیچ فیلم راسختم و در آخر پروژه ۴۰۰ هزار یورو گرفت. مستند ان...

با آن‌ها جلسه می‌گذاشت، اما دریغ از یک جلسه با مستندسازان. تا زمانی که نگاه مدیریت کلان فرهنگی، به مستندان باشد، بچه‌ها دارند زور الکی می‌زنند.

■ پس مشکل شما هم مثل همکاران تان با مدیریت کلان است. ببینید چقدر مراکز آموزش فیلمسازی داریم؟ اما هیچ کدام آموزش مستندسازی نمی‌دهند. شما از هر مدیر فرهنگی بخواهید اسم ۳۰ کارگردان و هنرپیشه را ببرند یا حتی به عنوان مدیر فرهنگی اسم ۲۰ فوتبالیست را ببرند، سریع برای تان می‌شمارند. بعد بپرس که اسم پنج مستندساز بگو، حتی مدیران کلان ارشاد یا کمیسیون فرهنگی مجلس و مدیران حوزه هنری یا تلویزیون نمی‌توانند بگویند. این نگاه حاکم ما است. در حالی که در کشورهای جهان اول، مدیوم مستند برای سیاست‌گذاران عرصه فرهنگ، مهم‌ترین مساله است.

■ یک مثال می‌زنید؟ انگلستان چهار کانال دولتی دارد و کلی کانال کابلی. دولت فقط چهار کانال را سبایورت می‌کند. دو تای آن نیمه‌دولتی و دو تایش تمام‌دولتی است. بهترین فیلم‌های سینمایی را معمولاً بین ساعت ۱۰ تا سه بعد از ظهر بخش می‌کنند، اما اگر قرار بر بخش یک مستند باشد، نه کل لندن که کل انگلستان بیلبورد می‌زنند که فلان شبکه و فلان ساعت قرار است یک مستند بخش شود. اساساً ساعت بیک مخاطب برای مستند است. چرا؟ چون فهم پشت آن است. آن‌ها تمام مسایل خود را با مستند حل می‌کنند. اما ببینید بودجه فرهنگی شهر داری چقدر است؟

■ خیلی میلیاردها تومان. دقیقاً خیلی میلیارد تومان. چه کاری با این پول می‌کنند که به نفع خود شهر داری باشند؟ هیچ دو تا مدیر نالایق فرهنگی گذاشته‌اند که در معدن دنبال دو اسم می‌گرددند. ببینند آن‌ها کی می‌خواهند فیلم بسازند تا بروند استاس...

شما مستندسازی را پیدا نمی‌کنید

که به عنوان

مثلاً همسویی

با نگاه حاکمیت

کارش راحت‌تر

باشد. من وقتی

با این قبایل

فاجه از روایت

فتح جدا شدم

تا مشکلات

زندگی را حل

کنم، برعکس

کاملاً دیدم

که مناسبات

مهمانی بیرون

طور دیگری

است

روایت فتح جدا شدیم که مشکلات زندگی را حل کنیم. برعکس کاملاً دیدم مناسبات جهانی بیرون طور دیگری است. بلد بودن ۱۵ درصد قشبه است، مابقی روابط است. من بعد از روایت فتح چهار سال از سدانگ خانم که فروخته بودم، خوردم تا کم کم فهمیدم کی به کی است. ما در روایت فتح مثل گربه خانگی بودیم، تصور کنید یک مرتبه گربه خانگی را وسط خیابان رها کنید، چه اتفاقی برایش می افتد؟ من عین همان گربه لبوس و ملوس بودم و تازه در ۴۸ سالگی همه چیز را از صفر شروع کردم (در سال ۸۴)...

البته شرایط مستند هم نسبت به آن زمان بسیار بهتر شده است. بله دقیقاً، الان بچه های مستند ساز حرف می زنند، ادعا دارند چرا در جشنواره فجر نیستیم و چرا اگر آن نمی گیریم، در صورتی که مافقط به فکر این بودیم که زندگی را بگذرانیم. خوب باید، من به مستندی به عنوان راهی برای گذران زندگی نگاه کردم، مثل سسوپارکت یا رانندگی... برابرم نبود که مستند دیده شود یا نه، برابرم بود که کار کنیم، پول در بیاوریم و زندگی را بچرخانیم. از آن جا بود که جشنواره برابرم شد، به محض این که جایزه گرفتیم که نتوانیم دیگر پشت اتاق مدیران بنشینیم، دیگر برابرم علی السویه بود، بلیط ها را هم خودم نمی فرستادم، وقت جایزه هم جایزه نقدی برابرم بود.

جایزه چه تأثیری بر کار یک مستندساز می گذارد؟ بستگی به روحیه و انگیزه بچه ها دارد. ماها زندگی مان را می کنیم و دیگر وجه جایزه برای ما مهم نیست. بعضی دیگر خیز بر می دارند برای روی صحنه رفتن؛ حاضر است عمرش را بگذارد تا روی سن برود و جایزه بگیرد. برای من انگیزه جایزه گرفتن کار را می کشد. جایزه بگیر بودن یک موضوع، مرا به ساختن آن ترغیب نمی کند، در حالی که بعضی از این راه ارتزاق می کنند، مستندسازی که معمولاً چهار سال صرف ساختن یک مستند می کنند، پنج سال از آن ارتزاق می کنند. هفت سال یکبار مستندی می سازند و با آن کل دنیا را می گردند.

خب بعضی چاره ای ندارند، به دلیل نبود سرمایه و مشکلات سخت، مجبورند روی پول جوایز حساب کنند. من این طور نیست، باورم نمی شود آدمی که کمی تعهد داشته باشد، به قول علامه طباطبائی به دست نماند؛ عقل فردی نداشته باشد که صرفاً به منافع خود فکر کند، عقل اجتماعی داشته باشد که منافع خود را ببیند و هم منافع اطرافیان را یا مثل منتری آوینی عقل قدسی داشته باشد که جز برای رضای خدا کاری نکند. ما در بهترین حالت وسطی هستیم. کسی که فقط عقل فردی داشته باشد و به منافع خود فکر کند، بوزبش و اعتبار داخلی و خارجی برایش خیلی

مستندساز بیکی، یک فیلم بخان دهند. بعد مباحثه ای از کارگردان خواندم که می گفت فیلم را در فلاکت کامل ساخته است و با هیچ فیلم را ساخته و در آخر پروژه ۴۰۰ هزار یورو گرفتیم. ببیند این رقم بسیار بزرگی است. تازه این جنسی بود، یکی از گران ترین مستندهای این کشور را ساختیم که ۱۲۰ هزار دلار خرج برداشت؛ در زمان دلار هزار تومان الان اگر بخوایم همان را بسازیم، معادل آن پول را به ریال الان نمی دهند. مثلیه آن مستند را در حال حاضر فقط ۶۰۰۰۰۰۰ ۱۲۰ میلیون را می دهند، در حالی که من به رییس مرکز که تهیه کننده «حقیقت گمشده» بود، گفتم یاد هست نه ۱۲۰ هزار دلار آن موقع هیچ چیز برای تو هم نماد؟ وقتی این طوری پول می دهند، چه توفی می توان داشت؟ با این وضع، مستندهای فعلی جذابیت لازم را برای مخاطب عام ندارد. ما بعد از انقلاب، سطح سلیقه مخاطب را از فیلمسازی هم پایین تر آورده ایم. کسی حوصله ندارد به سینما برود و حرف متفکرانه و فلان بنشیند، آن هم وقتی در موبایل و تبلت می تواند فیلم ببیند و ماهواره هم هست.

موارد نقض بسیاری برای حرف شما هست، مثل «آتلان» که اگر آن موفق داشت.

این خاستگاه است.

من می گویم اگر رویکرد مستند، جذاب و قصه پرداز باشد، مردم راغب به دیدن می شوند و به سینما می روند.

این اما اگر است.

شما دستیار سیدمهر تفضی آوینی بودید که به شدت سینمایی قصه پرداز را دوست داشت.

من حرفم این است که وقتی فیلمی از تلویزیون پخش می شود، بدترین حالت، رگورده شدن ترین فیلم سینما هم به اندازه آن تماشاگر نخواهد داشت. من می گویم گیر دادن مستندسازان به اگر آن سینمایی جز به خاطر این که خودشان را مطرح کنند نیست.

خط قرمزهای تلویزیون بی نهایت است و با هر مدیری، این خط قرمزها جابه جایی شود.

دقیقاً این مسأله ای است که باید به آن پرداخت. به نظر من مستندسازان نباید صورت مسأله را هم کنند. باید ببینند روی این موضوع زوم کنند، مباحثه کنند، داوری کنند و مدیران تلویزیون را بگیر بیاورند. انتقادی که به آقای ضرابی داشته ام این بود که ایشان با مرغ و خروس هایی که در فیلم های داستانی بازی می کردند، جلسه می گذاشت، کارگردان ها، صدابرداران، طراحان صحنه، دیالوگ ها، هنرپیشه ها و خلاصه هر کسی که به حوزه داستان بر می گشت، ایشان به عنوان رییس سازمان

باشند؟ هیچ دو نامدرن تالیق فرهنگی گذاشته اند که در به دنبال دو اسم می گردیم. ببیند آن ها کی می خواهند فیلم بسازند تا بروند اسپانسر شوند که بگویند در فلان فیلم ما شریکیم. در صورتی که شهرداری کلاشهرهای ما خیلی با مردم مشکل دارند نمی آیند به یک مستندساز بگویند که مثلاً می خواهیم خیابان پیروزی را عرضه کنیم. بیا یک مستند ساز برای تعامل بین ما و مردم ما بول ۲۰ فیلم مستند را می دهیم تا هم حرف ما به مردم منتقل شود و هم حرف مردم به ما همه نپناهدها در چه فرهنگی دارند، ما اسپانسر مستند جقدر است؟

برگردیم سر تلویزیون و خطوط قرمز بی شمار آن و عمیزی سلیقه ای. محمدرضا قزاق مستندی برای شبکه یک ساخت به نام «گور» که از تلویزیون پخش نشد، در حالی که موضوعش ۱۷ شهریور بود.

من خودم از قربانیان ممیزی در تلویزیون هستم. از فیلم های من چیزهایی حذف می کنند که در دین مجدد فیلم شاید یک مونتاژ مجدد هستم. در صورتی که بر منمای اسلستانه تلویزیون این کار کاملاً غیر قانونی است. تازه سلیقه ممیزی واحد نیست، شبکه دو یک مدل ممیزی دارد، شبکه یک مدل دیگری. کاری غیر قانونی و با یک نظارت غیر همگن.

فکر نمی کردم از افق سختگیر تر هم داشته باشیم.

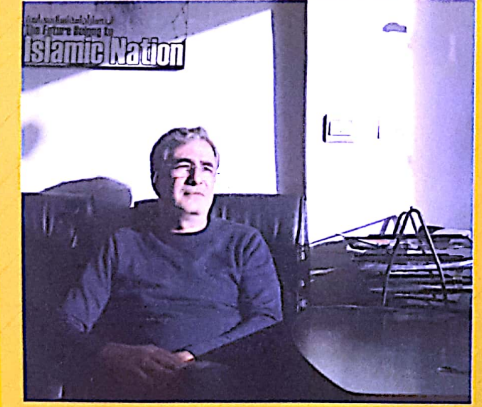
نمی توان گفت سختگیر تر. معیارهای شان فرق می کند. فیلم های خود من همیشه ممیزی می شوند. مثلاً از فیلم ۲۸ دقیقه ای، ۲۲ دقیقه بخش می شود. هر شبکه به یک جای آن را حذف می کنند. مستندی می تواند فاصله عمیق بین حاکمیت و مردم را بر کند، مشروط بر این که مدیران به مستندسازان اعتماد کنند. اساتد هاست مشکلاتی داریم که حل نشده اند، مثلاً حجاب که سال هاست همه درباره آن حرف می زنند و هنوز معطل است، یک کوجه به نیت است. مردم مسیر خود را می روند و حاکمیت سناز خود را می زند و نیروی انتظامی هم گنگاهی عدای را می گیرد و هیچ وقت اتفاقی نمی افتد. مدیران هیچ وقت شهادت این را نداشتند که بنشینند و به بطور ریشه ای این مسأله را بررسی کنند. تمام معضلات را می توان در مستند مطرح و حل کرد، مثل مجموعه سرتاب که در دهه ۶۰ با شهید آوینی ساختم و راجع به مهاجرت بود. آوینی با مدیران به این توافق رسیدند که تا قسمت ۱۵ به معلول بپردازند، از قسمت ۱۵ به بعد به علت بپردازند که چرا می روند. نه تلویزیون زیر بار رفت و نه وزارت اطلاعات. همان زمان آوینی گفت اگر حاکمیت اجازه ندهد این موضوع بررسی شود، شرایط از این هم بدتر می شود که شد. الان هم همین است و اجازه ورود به این موضوعات نمی دهند و پنهان می کنند. تلویزیون فقط گل و بلبل نشان می دهد و انگار هیچ مشکلی نیست.

نقش مستندهای روایت فتح در جنگ

این بخش و یکس بعدی، بریده ای از گفت و گوی خبرگزاری فارس با محمد علی فارسی است که شهر یور سال ۹۱ انجام شده. نقشی که مستندهای روایت فتح در جنگ برای تهییج و بسیج عمومی ایفا کرد، با همه تبلیغات دیگر در همه عصرها برابری می کند. شما کمتر زنده های خواهید یافت که منکر تأثیر برنامه های روایت فتح بر خود باشند. اندکی بعدتر، مجموعه مستند سرتاب را خیلی ها به یاد دارند. موضوع آن مهاجرت بی رویه بود. اتفاقاً کارگردان این مجموعه نیز شهید آوینی است. آن ها که سال های ۶۸ و ۶۹ به سن بلوغ رسیده اند، حتماً به یاد دارند که جوانان کشور برای کارگری در ژاپن، چه می کردند؟ یادم هست برای خرید بلیت ژاپن در مجموعه چهار قسمتی به نام «راز سرزمین آفتاب» ساخت که با پیش آن، ماجرای مهاجرت به ژاپن تقریباً پایان یافت. از افتخارات بنده نیز به عنوان مستندساز همین بس که وقتی مجموعه «مهاجران» پخش شد، پروفیسور سمعی تحت تأثیر همین مجموعه و نه به دلیل تلاش دولت مردان، اکنون در ایران، در حال ساخت عظیم ترین مرکز جراحی مغز است که تا قبل از آن فقط کشور آلمان صاحب آن بود. و ده ها مورد دیگر.

تعریف «مستند بحران»

خوشبختانه کلمه بحران برای ما ایرانی ها در طول دوران بعد از انقلاب، به هیچ وجه واژه ناآشنایی نیست. در طول این دوران، حقیقتاً دچار بحران بوده ایم؛ مانند غائله کردستان، غائله منافقان، غائله جنگ، تحریم، تور و... یا هر کجا که خبری از بحران نبوده، این کلمه، منجی دولت هایی بوده که کاستی ها و کم کاری های خود را تحت پوشش آن به گردن دشمن خارجی و غیره بیندازند. برای ما مستندسازان نیز مثل همه مردم، این کلمه، کاملاً آشناست. ولی آن چه منظور شماست، ساخت فیلم مستند در شرایط بحرانی است. گاه این بحران، داخلی است و گاه خارجی. در بحران های داخلی، آن جا که نقش حاکمیت کم رنگ تر بوده، مستندسازان خیلی بهتر عمل کرده اند. نمونه اش جنگ است. در دوران جنگ، بهترین مستندها را گروهی به رهبری آوینی تولید کردند که به هیچ وجه دولتی نبودند. پوشش دولتی داشتند، ولی کاملاً خود جوش عمل می کردند و به اعتراف همه، شاهکار کردند. به نظر من، مهم ترین دلیل معجزه مستندهای روایت فتح، دقیقاً همین نبود دخالت مستقیم نهاد های دولتی بود، حتی در غائله کردستان و منافقان نیز مستندسازها توفیق داشتند.



نام فیلم: زاده مهر
کارگردان: ابوالفضل توکلی
مدت زمان: ۴۰ دقیقه
درباره فیلم: «زاده مهر» از روستای گوراب در جاده جالوس آغاز می شود که ۸۱ سال پیش، ایرج رضایی در آن جا متولد شده است و ضمن روایت خاطرات و واگوهای این استاد دوبله، بخش های متنوعی از زندگی او را به نمایش می گذارد و نکاتی درباره این هنرمند مطرح می کند.



روح شاعرانه آقای دوبلور

توضیحات کارگردان «زاده مهر» درباره ویژگی های اثرش

در ادامه مستندهایی که درباره دوبلورها می ساختم و طی مشاوره هایی که با جلال مقامی داشتم، ایرج رضایی را برای ساخت مستند انتخاب کردم. ایشان مستندی که برای جلال مقامی ساخته بودم، دیده بود و به همین دلیل پذیرفت تا از هم مستندی بسازم. همزمان با جمع آوری اطلاعات متوجه شدم فیلمنامه نویسی و دوبله بخشی از فعالیت های او در کنار شاعری است. به همین خاطر روح شاعرانه استاد باعث شد در مستند «زاده مهر» برای او یک همزاد تعریف کنیم و ایشان با این همزاد که کسی نیست جز خودش، یاد و خاطره گذشته ها را زنده کند. او روایت هایش را از کودکی و از روستای گوراب آغاز می کند و در ادامه همسراه او به ارباب جمشد می رویم تا سری به استودیوهای دوبله قدیمی از جمله پاسارگاد بزنیم که فیلم های بزرگی در آن جا دوبله شده و حالا همگی تعطیل مانده اند.

من در تمامی مستندهایی که می سازم به هر بهانه ای که شده تاریخچه ای از مکان های مختلف سینمایی و هنری ارایه می دهم و ارباب جمشد یکی از مکان هایی بود که دلم می خواست در یکی از فیلم هایم به آن اشاره کنم. این مکان پر است از خاطرات و در واقع بخشی از حافظه تاریخی سینمای ما به حساب می آید. فیلمبرداری مستند «زاده مهر» یک ماه و نیم زمان برد و هنگام تدوین از تصاویر آرشیوی فیلم هایی که استاد رضایی دوبله کرده بود، به ویژه فیلم های دوبله شده در ابتدای کارش استفاده کردیم.

یکی از اتفاقات خوب، دست پُر ما برای ساخت فیلم بود به طوری که استاد رضایی با دیدن آن ها به وجد می آمد و از ما می پرسید که چطور این فیلم ها را پیدا کرده ایم. در نهایت ما تلاش کردیم در مدت ۵۸ دقیقه زندگی ایرج رضایی ۵۰ سال سابقه کاری اش در عرصه دوبله و توانمندی هایش در دیگر عرصه های هنری از جمله شعر را به مخاطب نشان دهیم. امیدوارم «زاده مهر» حق مطلب را درباره کارنامه هنری استاد رضایی ادا کرده باشد.

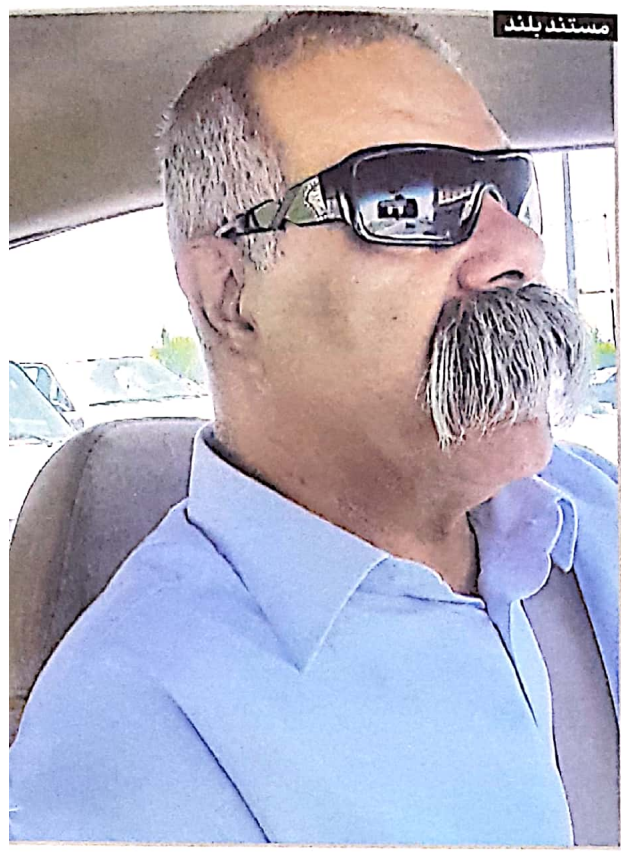
خرد و تجربه

درباره فیلم
نام فیلم:
 دیپلماسی شکست ناپذیر آقای نادری
کارگردان: بهتاش صناعی ها، مریم مقدم
تهیه کننده: بهتاش صناعی ها
زمان: ۹۰ دقیقه
 این فیلم درباره مردی است که می خواهد به تنهایی در دنیا صلح برقرار کند و برای رسیدن به این هدف از هیچ تلاشی فروگذار نکرده. در واقع اهمیت این فیلم در انتشار نگاه صلح طلبانه برانجیان است.



درباره کارگردان

نام کارگردان: بهتاش صناعی ها
مهم ترین آثار:
 چالسپو، احتمال باران اسیدی
مهم ترین جوایز: بهترین فیلمنامه نگاه نوجشنواره فجر برای احتمال باران اسیدی
مهم ترین آثار مریم مقدم:
 بازی در بلندی های صفر، سینما سینماست، مواجعه و احتمال باران اسیدی



یک مستند سیاسی طنزانه!

همراه با سازندگان جوان مستند «دیپلماسی شکست ناپذیر آقای نادری» بهتاش صناعی ها و مریم مقدم از دغدغه هایی که باعث شد به سمت ساخت این فیلم بروند، می گویند

محمدرضا کاظمی
 rezakazemi.press@gmail.com

زمانی که دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه بخش نگاه نوسی و سومین دوره از جشنواره فیلم فجر به مریم مقدم و بهتاش صناعی ها به خاطر فیلم «احتمال باران اسیدی» رسید، خیلی ها کنجکاو شدند تا این اثر را در گروه سینمای هنر و تجربه ببینند. اما نکته اصلی این فیلم به جز دیپلم افتخاری که گرفت و بازی شمس لنگرودی در آن، سازندگان جوانش بود. دو هنرمند جوانی که بعد از این اثر هم همکاری شان را ادامه دادند و امروز جدیدترین اثرشان را برای حضور در جشنواره سینما حقیقت آماده کردند. مستند «دیپلماسی شکست ناپذیر آقای نادری» همان طور که از نامش پیداست، اثری خاص محسوب می شود و بسیاری از علاقه مندان به دنیای مستند مشتاق تماشایش هستند. با بهتاش صناعی ها و مریم مقدم در روز هایی که تلاش می کردند تا اثرشان را هر چه سریع تر به جشنواره برسانند در خصوص این پروژه و البته تفاوت های ساخت فیلم های بلند سینمایی و آثار مستند گفت و گو کردیم.

در سرزمین من هستیم، پس این نگاه خود به خود برای ما جذاب بود.
پرداختن به مناسبات ایران و آمریکا آن هم از منظری که شما سراغش رفته اید بالاخره حساسیت برانگیز است: روایت گر صرف هستید یا قضاوت هم کرده اید؟
 صناعی ها: من تلاش می کنم به عنوان مستندساز خیلی شخصیت فیلم را قضاوت نکنم. ویژگی این فرد را من انتخاب نکردم و تنها کارا کتری است که برای بیان قصه به سراغش رفتم. برای رسیدن به پاسخ سوال تان، باید فیلم را ببینید ولی در کل من در کارهای مستند به دنبال سوزن نمی گردم و سوزن من را پیدا می کند. وقتی با اتفاقات و شخصیت هایی که قابلیت تبدیل شدن به فیلم مستند را دارند، روبه رو می شوم، به ساخت آن ها فکر می کنم. بنابراین در سینمای مستند برخلاف داستانی، هیچ گاه به دنبال سوزن نمی گردم.
«دیپلماسی شکست ناپذیر آقای نادری» کار سختی بود؟
 مقدم: فکر می کنم مشکل اصلی سینمای مستند کمیود

بر اساس خلاصه داستانی که از مستند «دیپلماسی شکست ناپذیر آقای نادری» منتشر شده، این فیلم قصد برجسته کردن نگاه صلح طلب ایرانی ها را دارد. درباره آن بیشتر توضیح می دهید؟
 مقدم: فیلم درباره روابط اجتماعی سیاسی ایران به خصوص در ارتباط با کشور آمریکا است و نگاه فردی غیردولتی در ایران که تلاش می کند این روابط را بارش غیرمعمول خود تغییر دهد. صناعی ها: به عبارت دیگر این فیلم درباره مردی است که می خواهد به تنهایی در دنیا صلح برقرار کند و برای رسیدن به این هدف از هیچ تلاشی فروگذار نکرده. در واقع اهمیت این فیلم در انتشار نگاه صلح طلبانه برانجیان است.
 مقدم: چند سال پیش در مواجهه با کاراکتر فیلم کم کم به این فکر افتادم که تلاش عجیب این مرد، بستر جذابی است برای روایت مستندی درباره روابط ایران و آمریکا.
 صناعی ها: و از آن جا به بعد خود سوزن مستند بود که ما را با خود کشاند و همراه کرد از طرفی ما هم مثل همه مردم ایران خواهان صلح

■ نام فیلم: انحصار ورثه
 ■ کارگردان: محمدعلی شعبانی
 ■ درباره فیلم: مستند ۷۵ دقیقه‌ای «انحصار ورثه» که تولید سال ۱۳۹۵ است و برای نخستین نمایش عمومی به جشنواره سینماحقیقت ارایه شده قرار است به مابقی برده بدون هیچ زاویه و جهت‌گیری خاصی بگوید مرتضی آوینی که بود و چگونه تبدیل به بزرگترین براند فرهنگی انقلاب اسلامی شد؟



بی‌پرده با آوینی

شعبانی معتقد است شاید دیدن این فیلم کمک‌تان کند مرتضی آوینی را بهتر بشناسید

سیدمرتضی آوینی در تاریخ فرهنگ و هنر مادم مهمی بوده که سال‌ها با تعارفات و زاویه نگاه‌های متفاوت او را دیده‌ایم، اما من خواستم با مستند نگاه تازه‌تری به او داشته باشم. «انحصار ورثه» ما حاصل حدود ۱۰ سال تحقیق در این باره است.

در این مسیر پدرم یعنی آقای مرتضی شعبانی که فیلمبردار مجموعه «روایت فتح» بود، کمک بسیاری کرد و البته از بیشتر افرادی که آوینی را می‌شناختند، مشاوره گرفتم و با آن‌ها صحبت کردم. شاید تفاوت من با بقیه در این بود که به دلیل نزدیکی خانوادگی در نتیجه همکاری پدرم و مرتضی آوینی، بخشی از مسیر را رفته بودم. به همین دلیل هم وقتی کار را شروع کردم چند بار آن را از مودم و تمام سعی‌ام را کردم تا بدون حب و بغض شخصیت آوینی را توصیف کنم. با همه این تلاش‌ها به هر حال مستند «انحصار ورثه» زاویه دیدی است که من به آن رسیدم. نه من و نه مستند ادعایی نداریم که آوینی را تمام و کمال معرفی کرده‌ایم، اما می‌توانم بگویم تمام سعی خود را کردم تا آنچه را که با تحقیقات و صحبت با حلقه‌های نزدیک به ایشان از جمله سجاد آوینی که پس از سال‌ها نخستین بار در این مستند درباره پدرش صحبت می‌کند، درباره این شخصیت یافتم عیناً ارایه کنم. ممکن است در جریان این طرح واقعیت ذهنیتی که برخی‌ها درباره آوینی داشته‌اند هم تغییر کند که مسئول آن من و مستند نیستیم، زیرا من واقعیت را همان‌طور که بود کاملاً راحت، صادقانه، بدون محافظه‌کاری و تحریف مطرح کردم. باید توجه داشت کار درباره آوینی کار سختی است، زیرا قرار است درباره شخصیتی بگویم که در تمام این سال‌ها حاشیه‌های زیادی برایش درست شده که بر خود تصویر ساز شخصیت ساخته است. با وجود این سختی من سعی کردم نگاه ملی و فرجانحی به او داشته باشم، زیرا اعتقاد دارم محدود کردن آوینی به یک جناح کوچک، محدود کردن اوست. تصور من این است که مستند «انحصار ورثه» کمک می‌کند تا آوینی را بیشتر بشناسیم.

جایزه شهید آوینی

A Political Satire

B ehtash Sana'eeha and Maryam Moghaddam have made their latest film; "Invincible Diplomacy of Mr. Naderi" and they talked about their concerns that caused to the film to be made; "The film is about social-political relationships of Iran especially with USA and non-governmental attitude of someone who tries to change these relationships in a very extraordinary way." Moghaddam. "In another word, the film is about a man who wants to set the peace in the world and he has tried as could as possible to reach this goal. In fact, the importance of the film is to spread the peaceful looks of Iranian people. We had satirical look to political and social events in the film, so we should choose a name that must be fascinating also curiously which has the humorous tone of the content inside." Sana'eeh



دارد، ولی به نظر من دلایلی که برشمریم ساخت فیلم مستند سخت‌تر است.

■ اگر بخواهید یکی را انتخاب کنید، کدام یک از این دو (فیلم بلند یا مستند) برای شما لذت بخش‌تر است؟
 ■ اصلاً مستند ساختن اولویت چندم شماست؟

صناعی‌ها: سینمای مستند داستانی برای من به یک اندازه جذاب است، درست به همان اندازه که انیمیشن را دوست دارم. در واقع موضوع، شخصیت و قصه المان‌هایی هستند که قالب مناسب را برای من تعیین می‌کنند و این حرکت سیال در فرم‌ها و سبک‌های مختلف در فیلمسازی برای لذت بخش است.

■ سوال را از این منظر پرسیدم که سینمای مستند ما در سال‌های اخیر رشد زیادی کرده و محمل خوبی است برای بیان حرف‌هایی که شاید در سینمای داستانی نتوان مطرح کرد و چه بسا نتوان تأثیری که باید گذاشت.

صناعی‌ها: این سینما به مرور هویت واقعی خود را می‌یابد و این یافتن هویت باعث جذب مخاطبان بیشتر و اهمیت بیشتر به این نوع سینما از سوی مدیران و مخاطبان شده است. سینمای مستند در کشور ما به لحاظ اهمیت سینمایی همانند سینمای مستند دنیا جهش یافته و این پیشرفت کاملاً مشهود است.

■ به نظر شما جشنواره سینماحقیقت چه تأثیری بر این پیشرفت داشته؟

صناعی‌ها: جشنواره سینماحقیقت یکی از حرف‌های و منضبط‌ترین جشنواره‌های سینمایی در کشور ما است. این انضباط در دوره مدیریت آقای طباطبایی نژاد بیشتر به چشم آمده است و در سال‌های اخیر شاهد برگزاری جشنواره‌های با کیفیت بوده‌ایم. امروزه امسال هم جشنواره بهتر از سال‌های گذشته برگزار شود. احساس من این است که این اتفاق رخ خواهد داد، چراکه فیلم‌های خوبی در جشنواره حضور دارند. به نظر من دوره دهم از جشنواره سینماحقیقت می‌تواند مانند سال‌های گذشته شاهد اکران‌های پر مخاطب باشد، چون فیلمسازان خوبی در این دوره حضور دارند و به نظر می‌رسد فیلم‌های قابل قبولی به جشنواره ارایه داده‌اند.

امکانات مالی است، مخصوصاً فیلم‌هایی مثل مستند ما که از هیچ‌گونه حمایت مالی دولتی یا غیردولتی یا اسپانسر برخوردار نیستند. صناعی‌ها: فارغ از بحث مالی به نظرم دیگر سختی کار مستند طولانی بودن فرآیند تحقیق، فیلمبرداری و تدوین است که برای ما نزدیک به دو سال و نیم طول کشیده و این جزو طبیعت کار مستند است، چرا که شما باید در خدمت سوژه و شخصیت باشید و برخلاف فیلم داستانی، کنترلی بر آن ندارید. صرفاً به عنوان یک راوی، سوژه را دنبال می‌کنید و این می‌تواند حتی سال‌ها ادامه پیدا کند.

■ چه قدر طول کشید تا ساخته شود؟
 ■ مقدم: دو سال همراهی با کاراکتر فیلم و دنبال کردن مسیر تلاش و انتظار او برای رسیدن به مقصودش زمانی کافی بود که هم کاراکتر و هم اتفاق‌های سیاسی و اجتماعی مربوطه را از زوایای مختلف بررسی کنیم.

■ و به هدفی که از ابتدا متصور بودید رسیده‌اید؟ فکر می‌کنید بازخورها مثبت خواهد بود؟

صناعی‌ها: اصولاً پیش‌بینی بازخورد اثر برای من کار ساده‌ای نیست، ولی تصور می‌کنم به واسطه موضوع حساس فیلم و فضای طنزانه آن با مخاطب ارتباط خوبی برقرار خواهد کرد.

■ سوژه‌ای که انتخاب کرده‌اید، جهان شمول است؛ یعنی صلح طلبی در همه جهان به عنوان یک ارزش تلقی می‌شود. برنامه‌تان برای اکران جشنواره‌ای «دیپلماسی شکست‌ناپذیر آقای نادری» چیست؟

صناعی‌ها: احتمالاً این کار را خواهیم کرد، ولی همواره برای ما آن‌چه اهمیت دارد، نمایش نخست فیلم‌هایمان در جشنواره‌های وطنی است، خصوصاً این فیلم که مخاطب اصلی‌اش، مخاطب ایرانی است و خیلی مطمئن نیستیم که مخاطب خارجی بتواند تمام نکات و لایه‌های فیلم را دریافت کند.

■ با توجه به این که شما دو نفر در کارنامه هنری‌تان سابقه ساخت فیلم سینمایی هم دارید، ساخت مستند را سخت‌تر می‌دانید یا فیلم‌های سینمایی و داستانی بلند را؟
 صناعی‌ها: هر کدام سختی‌های خاص خودش را

مقدم: پند سال
 پیش در مواجیه
 با کاراکتر فیلم
 کم‌کم به این
 فکر افتادیم که
 تلاش عمیق
 این مرد، بستر
 مژدایی برای
 روایت مستندی
 درباره روایت
 ایران
 و آمریکا است

صناعی‌ها: من
 تلاش می‌کنم
 به عنوان
 مستندساز
 فیلمی شخصیت
 فیلم را قضاوت
 نکنم، ویژگی
 این فرد را من
 انتخاب نکردم
 و تنها کاراکتری
 است که برای
 بیان قصه به
 سراغش رفتم

نام فیلم: یک کیلوبال مگس
کارگردان: رضا سیرجانی
ژانر: مستند / یک کیلوبال مگس
مهریه های خاص که گاه عجیب و دست و پاگیر می شوند و گاه زوچها یا انتخاب یک سوژه به عنوان مهریه، موجب فرهنگ سازی می شوند. پدیده عجیبی که باید دلائل و انگیزه های آن روشن شود. این فیلم با نگاهی متفاوت ماچتر امپریه را روایت کرده است.



عجیب ترین شرط زندگی

سبحانی از انگیزه های ساخت «یک کیلوبال مگس» می گوید

مساله مهریه همی وقت دغدغه اصلی من برای فیلمسازی بوده است. بیشتر یک نوع کنجکاوی بود که به صورت پراکنده اطلاعاتی در مورد مهریه های عجیب، کسب می کردم. طبق این اطلاعات ترغیب شدم بدام دلائل و انگیزه های این گونه مهریه ها جستجو کنم و وارد این وادی شدم و دیدم به نوعی اوده آن دارم می شوم و برایم جذاب بود که این موضوع را به تصویر بکشم. به دلیل این که قصد واکاوی این مساله را داشتم، تلاش زیادی در زمینه تحقیق و پژوهش آن انجام دادم.

ابتدا اطلاعاتی را که در مورد زوجین در مراکز مربوطه بود، جمع آوری می کردم که زمانی زیادی را هم به خود اختصاص داد. مناسبانه خیلی از زوجها با پروژه فیلمسازی خاص، مراسمی کردند انگار دوربین برای آنها نوعی تابو بود. در خیلی از موارد، دعوت می کردم که به جلوی دوربین بیایند و دلائل خودشان را بیان کنند، اما نمی پذیرفتند و توجیح شان این بود که خیلی از آنها نمی خواستند این موضوع عمومیت پیدا کند. با بعضی از آنها نیز از تباط برقرار کرده بودم که مهریه های جالبی داشتند و حتی می توانستند با انتخاب شان فرهنگ سازی کنند. به عنوان مثال مواردی از قبیل تکفل تعدادی کودک بی سرپرست.

در کنار اینها مهریه های غیر عادی هم داشتیم که مناسبانه بخش اعظم آنها جلوی دوربین نیامدند. من برای پیدا کردن سوژه ها، در رابطه با مهریه، یک تجربه سینمایی داشتم و حتی از کسانی که در آن زمان با من همکاری کرده بودند، قول مساعدت در پروژه مستند را نیز گرفته بودم، اما به دلیل وقفه نسبتا طولانی که بین این دو ایجاد شد، هنگامی که به آنها رجوع کردم، نظرشان تغییر کرده بود و حاضر به همکاری نشدند، به همین دلیل بخشی از سوژه ها را از طریق دادگاه پیگیری کردم که بیشتر آنها در جلوی دوربین حاضر نشدند و بخشی دیگر را از طریق دوستانم در رسانه ها توانستم پیدا کنم که با صحبت هایی که شد، حاضر شدند در فیلم حضور داشته باشند.

مستند کوتاه



مستند کوتاه

نگاه نوبه یک آیین

هر سال در روز به خصوصی از پاییز، مراسم کهن و آیینی قالیشویی در مشهد اردیبهشت ماه برگزار می شود. مهدی اسدی در مستند «جمعه قالی» به آن پرداخته است

سوسن سیرجانی
soosansirjani@yahoo.com

درباره مراسم آیینی قالیشویی در مشهد اردیبهشت ماهها فیلم کوتاه، مستند و حتی فیلم سینمایی ساخته شده. اما مهدی اسدی، کارگردان مستند کوتاه «جمعه قالی» می گوید با نگاهی متفاوت و با رنگ بندی و نورپردازی جذاب، این بار سراغ این سوژه رفته است. اسدی معتقد است این موضوع، ظرفیت بارها و بارها سخن گفتن و فیلمسازی را دارد.

چه دغدغه ای باعث شد سراغ مراسم آیینی قالیشویی در مشهد اردیبهشت ماه بروید؟

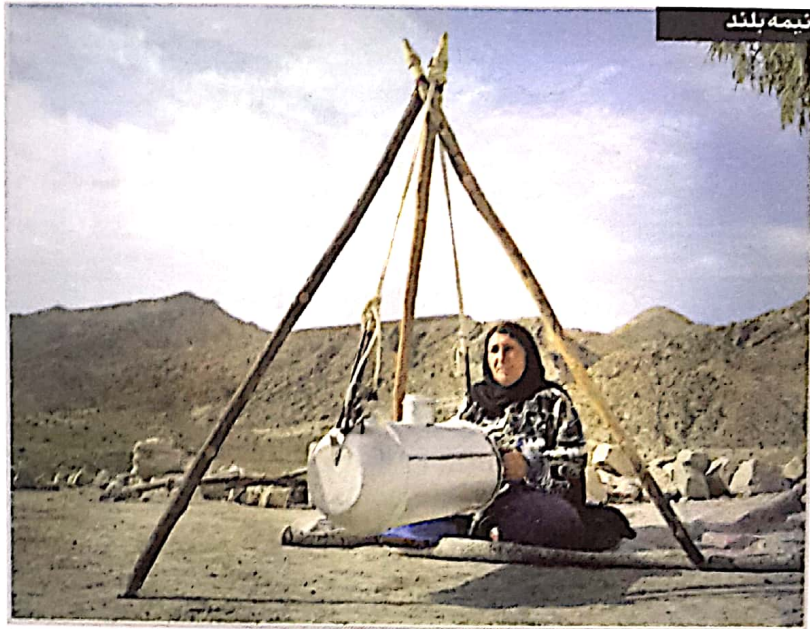
پس از پایان ساخت این فیلم، همین سوال را از خودم پرسیدم که چه چیزی در این مراسم وجود داشت که مرا مجذب کرد؟ وقتی به این مساله فکر می کردم به این نتیجه رسیدم که آیینها برای من، صرف نظر از این که متعلق به چه مذهب و کیشی هستند یا در کجای دنیا اتفاق می افتند، همیشه جذاب بوده اند. این که جمعی از انسانها در یک زمان خاص، یک مناسبت خاص با یک آداب و نظم خاص، مراسمی را برگزار می کنند. این که درون همه این آیینها با همه تغییراتی که در آنها رخ داده، ریشه ها و رجعت هایی به خاطرات گذشته های دور و جوهی از نیازهای روزمره گذشته و حال انسان وجود دارد. لایه هایی پنهان که گاه برای دیدن آنها باید زاویه دید را تغییر داد. کشف این لایه ها و تلاش برای فهم این موضوعات و نشانه های کهن همیشه برای من جذاب بوده است. توجه من به مراسم قالیشویان مشهد اردیبهشت ماه هم در امتداد این جاذبه و گرایش است. بیشتر آیینها آمیخته با وجوه نمایشی نیرومندی است که با یک نظم و سازمندی دقیق برگزار می شوند، گویی سنسار بویی دقیق و با جزئیات فراوان، به وسیله جمعیتی انبوه که در عین این که نابازگردد و به شکلی عمیق در نقش خود فرو رفته اند، بازی می شود و این باور و ایمان را چه در آنان که در وسط معرکه اند و چه آنان که به تماشا ایستاده اند، می توان دید.

در این فیلم علاوه بر آیین مراسم چه مقدار با نحوه زندگی مردم آشنا خواهیم شد؟

چیزی که با این مفهوم در ذهن من شکل گرفت و امیدوار بودم بتوانم آن را به تماشاگران منتقل کنم، دغدغه های تاریخی مردم حاشیه کویر است که اغلب با کشاورزی امرار معاش می کنند برای مردم این سرزمین، آب همیشه گوهری بوده که حیات و معات آنان به آن وابسته است، علاوه بر این زخم هایی کهن روی روح تاریخی این آدمهاست که در ناخودآگاهشان هنوز پس از قرن ها تازه است و همچنان از آن خون می جکد (مثل داستان سوسون). در تماشای این آدمها، بغض تاریخی در گلویشان را کاملا حس کردم و تلاش شان برای حفظ خاطره ای کهن که حتی فرهنگ های غالب هم نتوانستند آنان را از هم جدا کنند همچنین حضور شگفت انگیز قالی در این مراسم آیینی (که نماد تابوت و جسد مقدس است) نیاز به توجه و بازنگری دقیق دوباره در این مراسم دارد. البته این مراسم ابعاد قابل توجه اقتصادی و اجتماعی فراوانی دارد که پیش از این در

آثار اساتیدی چون ناصر تقوایی، فرهاد وره رام، هوشنگ آزادی پور و دیگران به برخی از آنان پرداخته شده است.
با توجه به این که فیلم، گفتار متن ندارد، شیوه روایت فیلم چگونه است؟
بله، فیلم گفتار متن ندارد و با آگاهی، هر نوع المان صوتی آشنا در این مراسم یا حذف شده یا تغییر شکل داده شده است. بار اطلاعاتی فیلم بر دوش کپش هایی است که در ابتدا و انتهای فیلم می آیند و تماشاگر از طریق آنان وارد دنیای فیلم می شود. کپش ابتدایی، خط اصلی وقعه را به بیننده ارائه می دهد و این اطلاعات اولیه مبنایی بر سکانس ها و تقسیم بندی بخش های مختلف فیلم می شود. همچنین کپش پایانی به آن چه پژوهشگران درون این ماجرا دیده اند، اشاره دارد. بنابراین ما در فیلم هیچ گونه مصاحبه و دیالوگی هم نداریم و روایت فیلم کاملا متکی بر اطلاعات نوشتاری، تصویر، موسیقی و افکت است.

NewLook toARite
Annually on a very special day in autumn, the ancient ritual ceremony of cleaning carpets is held in Mashhad Ardehal. "Friday of Carpet" by Mehdi Asadi is a documentary which has focused on this rite. With a different look and fascinating color and lighting Asadi made the documentary while before his film there were many documentaries, short films even movies had been made but Asadi believes that the topic has even more capacity and it can be told times and times. "I've been always interested in rites without considering where they are holding or in which religion, especially when you are exploring its deeper layers. //Most of them have powerful dramatic aspects which are performed by number of non-actors. It seems that all of them even the audience are invited to the show while all of them believe deeply in the rite." Mehdi Asadi



زندگی به رسم عبدالحسن

«همجا» یک قضاوت نیست، نمایشی از زندگی مردی با چهار همسر و ۲۷ فرزندش است که در روستایی در بوشهر سر می‌کنند. گفته‌های کارگردانش را بخوانید

زهرا عباسی

abbasi2222@gmail.com

«همجا» به زبان شهر جم در استان بوشهر به معنای «هو» است و مستند «همجا» هم قرار است به روایت زندگی مردی به نام عبدالحسن پیرداز که چهار همسر و ۲۷ فرزند دارد و همه آن‌ها به جز یکی در یک روستا زندگی می‌کنند. مهدی قنوتی خودش هم اهل جنوب است، اهل خوزستان و همین موضوع را دلیلی می‌داند که منجر شده به علت هم‌زبانی و فرهنگ نزدیک به هم بتواند به این خانواده نزدیک شود

یک سوژه جذاب

از قنوتی ابتدا درباره هدفش از ساخت این مستند می‌پرسیم: «سوژه فیلم، سوژه‌های است که از گذشته‌های دور در سنت و فرهنگ ما وجود داشته‌است، یعنی روایت افرادی که به چندهمسری روی می‌آورند. شخصیت داستان ما هم مردی است به نام «عبدالحسن» که علاوه بر چندهمسری و داشتن چهار زن، روستایی برای خود ساخته است و خود و خانواده‌اش در آن زندگی می‌کنند. از آنجایی که چندهمسری در استانی مانند بوشهر زیاد به چشم می‌خورد، برای تحقیقات در این باره با یکی از دوستانم که اهل بوشهر است، صحبت کردم. اتفاقاً خانواده ایشان در عسلویه «عبدالحسن» را می‌شناختند و به من معرفی کردند.»

او توضیح می‌دهد: «این شخصیت همه حرفی را که می‌خواستیم در مستند بزنیم، یک جا داشت. علاوه بر داشتن چهار زن، یک روستا و یک جامعه ساخته بود تا بتواند در کنار خانواده‌اش به راحتی زندگی کند. این تفکر او درست یا غلط منجر به ایجاد جامعه کوچکی شده بود که همه ساکنانش، اعضای یک خانواده هستند.»

شغل خانواده، دامداری و کشاورزی

مهدی قنوتی توضیح بیشتری درباره شکل زندگی این خانواده می‌دهد و می‌گوید: «زمین‌های پدری این خانواده بر اثر بلایای طبیعی از بین رفته بود و از سال‌ها پیش جهاد کشاورزی زمین‌های تازه‌ای به آن‌ها پیشنهاد می‌داد که این خانواده پرجمعیت این زمین‌ها را می‌پذیرند و طی ۳۰ سال روی آن‌ها کار می‌کنند و روستایی با امکانات برق، جاده، مدرسه و حسینیه برای خود می‌سازند. فعالیت اصلی این خانواده دامداری و کشاورزی است که به همت زنان «عبدالحسن» و فرزندان بزرگش انجام می‌شود و خودش هم گرجه کار می‌کند، اما بیشتر نقش ناظر را در این فعالیت‌ها بر عهده دارد. البته ساکنان این روستا هنوز از آب چاه استفاده می‌کنند و فاصله آن‌ها تا جاده اصلی ۱۵ کیلومتر است و باید برای رسیدن به روستا از دل کوه‌ها عبور کنند.» روایت جالب دیگر این مستند بر خورد این خانواده با تکنولوژی و امکانات جدید است که به گفته قنوتی مانند سایر خانواده‌های ایرانی آن‌ها هم به چنین امکاناتی دسترسی دارند.

Life in the Style of Abdolhassan

Hamja (Rival) is not a judgement; it is a window to show the life of a man with three wives and his 27 children who lives in a village in Boushehr. "Hamja" in the language of Jam city in Boushehr province means "Rival". The documentary which is in this name is narrated the story of life of Abdolhossein. Mehdi Ghanavati the director is from southern of Iran too, so he believes that he could close to the family and his main character because of closeness of his culture and language. "From very past there was subject like Abdolhossein in our culture but the main idea was that he made a village for his family too. It was attractive for me then I started making a documentary about." Mehdi Ghanavati

درباره فیلم

- نام فیلم: «همجا»
- کارگردان: مهدی قنوتی
- تهیه‌کننده: محمد کاظم بیات
- زمان: ۵۸ دقیقه
- درباره فیلم: «همجا» فیلم زندگی مردی به نام «عبدالحسن» را روایت می‌کند که یک روستا در استان بوشهر را برای خود و خانواده‌اش ساخته. روستا دارای یک حسینیه و یک مدرسه اختصاصی است که شاگردان مدرسه همگی خواهر و برادر هستند. او چهار زن و ۲۷ بچه دارد.

مشکل زندگی اهالی این روستا ندارد و تا جایی که می‌شده، از قضاوت دور مانده‌است. او توضیح می‌دهد: «ما تا جایی که می‌شد سعی کردیم رفتارها و زندگی این خانواده را فقط به نمایش در بیاوریم. در فیلم قضاوت کاملاً بر عهده خود مخاطب گذاشته شده است. در واقع می‌توانم تأکید کنم که اصلاً هدف مان این نبود خوب یا بد ماجرا را نشان دهیم، بلکه سعی کردیم فقط این نوع زندگی را به نمایش بگذاریم.»

فیلمبرداری در روستا

او توضیحاتی هم درباره زمان فیلمبرداری در روستا می‌دهد: «در مجموع ۲۵ جلسه فیلمبرداری داشتیم که حدود دو سال زمان صرف آن شد تا مراسم‌های مختلف عزاء و عروسی و این مدت صادق سسوری، تصویر بردار کار از نظر فکری و هنری کمک زیادی به من کرد و حتی بعد از آن در مرحله تدوین و نهایی شدن کار، هم او و هم امیر ادیب‌پور در کنار تهیه‌کننده یعنی محمد کاظم بیات کمک زیادی به من کردند. جالب است بدانید ما در این کار علاوه بر اعضای ساکن در روستا سراسر همسر دیگر «عبدالحسن» هم که خارج از روستا ساکن است، رفتیم و با او هم صحبت کردیم.»

یک توصیه

این مستندساز جوان در پایان صحبت‌هایش با تأکید بر بالا رفتن کیفیت نمایش آثار در جشنواره حقیقت، توصیه‌ای هم به دست‌اندرکاران برگزار این رویداد دارد و می‌گوید: «صندلی‌های پردیس سینمایی چاروسو سال گذشته با توجه به تعداد مخاطبان کم بود و مردم با مشکل صندلی روبه‌رو بودند. امسال هم با توجه به افزایش کیفیت نمایش، احتمالاً مخاطبان زیادی در جشنواره حضور می‌یابند که امیدوارم مسئولان تدبیری اندیشیده باشند تا مشکل کمبود جا وجود نداشته‌باشد.»

شب‌ها به تماشای تلویزیون می‌نشینند و بچه‌های آن‌ها موبایل و تبلت دارند.

حاشیه‌های چندهمسری

به گفته قنوتی حاشیه‌های چندهمسری و شکل زندگی این خانواده در مستند روایت می‌شود: «همه اعضای روستا، اعضای یک خانواده هستند. من برای طرح موضوع حق و حقوقی که از زن‌ها گرفته می‌شود، سراغ این سوژه رفتم و همین هم موجب شد فیلم بیشتر از نگاه زن‌های این خانواده مطرح شود، اما هیچ قضاوتی در فیلم درباره این نوع زندگی ندارم. فقط درباره چندهمسری با توجه به این که معمولاً مردان برای توجیه این کار به احادیث و روایات رجوع می‌کنند، سعی کردیم به این موضوع بپردازیم که زنان چطور به این شیوه زندگی ورود می‌کنند، چطور راضی به این کار می‌شوند و آیا از زندگی‌شان راضی هستند و لذت می‌برند یا خیر.»

روایت از نگاه زنان

او درباره شکل بر خورد خانواده به ویژه زنان با گروه ساخت مستند که مرد بودند، به راحتی آن‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «من به همراه تصویر بردار یعنی صادق سسوری به این روستا می‌رفتیم. با وجود این که من هم و هم تصویر بردار آقا بودیم، زنان روستا بر خورد راحتی با ما داشتند. ما ابتدا صحبت‌های اولیه و تحقیقات لازم را درباره این خانواده انجام دادیم. وقتی برای ساخت مستند به آن‌ها پیشنهاد دادیم، استقبال و خیلی راحت بر خورد کردند، به طوری که ما خودمان از این راحتی متعجب می‌شدیم. بر خوردشان با دوربین فیلمبرداری و حضور ما بسیار راحت بود، برای همین هم می‌توانم بگویم هر آنچه در مستند نشان داده می‌شود، کاملاً صادقانه است و زندگی این مردم همین است که شما روی پرده نمایش می‌بینید.» این مستندساز البته به جنوبی بودن خودش هم اشاره می‌کند: «خود من اهل خوزستان و جنوب ایران هستم، به همین دلیل به گونه‌ای هم‌زبان و هم‌فرهنگ با این اهالی هستم و همین امر موجب شده ارتباط برقرار کردن با آن‌ها چندان سخت نباشد.»

قضاوت نمی‌کنیم

قنوتی البته تأکید می‌کند که مستند «همجا» قضاوتی درباره

تجربه آلمانی

وقتی مستند تبدیل به صنعت شد

فیلم مستند در آلمان بسیار رایج است و طبق یکی از قوانین اقتصاد هر چه عرضه بیشتر شود، تقاضا کم شده و قیمت هم پایین می آید. هزینه ساخت مستند نسبت به فیلم های داستانی در آلمان بسیار پایین است و به بودجه چندانی نیاز نیست. شاید به همین دلیل باشد که آلمانی ها بیشتر به مستندسازی روی آورده اند. اتفاق جالبی که به تازگی در سینمای مستند آلمان افتاده، توجه سرمایه گذاران به این حرفه است. شاید بخندید، اما با توجه به آمارهایی که گرفته شده و من به آن ها رسیده ام، آلمانی ها به مستندهایی که کشور آلمان را از بالا نشان می دهد، علاقه بیشتری دارند و نسبت به دیدن آن ها بیشتر ترغیب می شوند که این اتفاق هم بد نیست. البته من به شدت معتقدم قبل از این که یک فیلم مستند ساخته شود، باید مخاطبشناسی کنیم تا زمان کمتری برای ساخت این مستندها صرف شود. هر چه ابزار زیبایی شناسی ساده، روان و معمولی تر باشد، تلویزیون های دولتی بیشتر از آن ها استقبال می کنند و اگر این ابزار خاص تر و پیچیده تر باشند، تلویزیون آن ها را رد می کند. ۴۰ سال پیش دغدغه تلویزیون، آموزش بود، اما با گذشت زمان، وجه سرگرمی تلویزیون بر وجه دیگر قالب شده است. مهم ترین معیار فیلمسازان تلویزیون های آلمان، جلب مخاطب است و خدا نکند که برای برنامه های نتوانی مخاطبی جذب کنی. این روزها آلمانی ها بیشتر تلویزیون نگاه می کنند. جوانانی که در دهه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال هستند، روزانه به طور متوسط ۱۵۰ دقیقه تلویزیون نگاه می کنند، اما وقتی این رده سنی به ۶۰ تا ۷۰ سال می رسد، این زمان دو برابر می شود، چیزی حدود ۳۰۶ دقیقه. چند سال پیش در تلویزیون آلمان فیلم های سه بعدی بسیار مورد توجه قرار گرفت و قرار بود مستندسازان بیشتر در این زمینه فعالیت کنند، ولی این حوزه علاقه مندان زیادی پیدا نکرد. سردبیرهای اصلی شبکه های آلمانی از مورد توجه قرار گرفتن اینترنت بین جوانان ابراز نگرانی کرده اند، این نگرانی با از دست دادن سلطه بر مردم به وجود می آید و ممکن است با این موضوع سلطنت خود را از دست بدهند، به همین علت دو شبکه ZDF و ARD در حال ناسیس شبکه هایی برای جوانان هستند.

یادداشت



سارا شمرانی
مستندساز آلمانی



مستند ایرانی به روایت فیلمساز آلمان

فلورین هافمن مهمان آلمانی دهمین جشنواره سینما حقیقت معتقد است به دلیل مشکل پخش و توزیع، فیلم های مستند ایرانی چندان در دسترس مردم دنیا قرار نمی گیرند

سارا شمرانی
Sara.shemirani66@gmail.com

فلورین هافمن یکی از جوان ترین مهمانان خارجی بخش بین الملل جشنواره حقیقت است. او به این جشنواره آمده تا با سینمای مستند ایران آشنایی بیشتری پیدا کند. با او در حالی گفت و گو کردیم که تنها ۱۲ ساعت از رسیدنش به ایران می گذشت. هافمن کنجکاوانه در مورد مردمی حرف می زد که بارها در باره شان شنیده، اما فرصت پیدا نکرده بود از نزدیک با آن ها آشنا شود. او در مورد ایرانی های مقیم آلمان می گوید که در جشنواره ها حضور دارند و مستند های خوبی هم می سازند.

سینمای مستند ایران گمنام باقی مانده

نخستین سوالی که می پرسیم درباره شناخت هافمن از سینمای ایران است. او در پاسخ به این سوال می گوید: من تجربه حضور در ایران را نداشتم. در مورد مردم ایران کنجکاو بودم، اما فعلا فرصت نکردم تا ایرانی های زیادی را ببینم. تجربه من در مورد فیلم های ایرانی مربوط به مستندهایی بود که در جشنواره های مختلف آلمان و اروپا می دیدم. اما بیشترین شناخت من مربوط به جامعه ایرانی هایی می شود که به خصوص در برلین حضور دارند و در جشنواره ها می بینم. شناخت من هم بر مبنای چند فیلمی است که از سینمای ایران دیدم، چرا که باعث شده با

معرفی فیلم های امروز



نامها
The Letters
کارگردان: پابلو کاواریا گوتیرز
دانمارک ۲۰۱۵

خانه کامرکس یک مهمانسرای بدنام برای بی خانمان هاست که نزدیک به ۴۰ سال این شهرت ترسناک را همراه خودش داشته است. انحراف و کجروی آن توسط مردانی که داخل آن خانه زندگی کردند، جاودانه شده است؛ مردانی با گذشته های پیچیده. این مستند بر اساس گفت و گو هایی با افرادی شکل گرفته که در این خانه اقامت داشته اند. دوربین یکسری نماهای داخلی ثابت را گرفته که داستان های ناگفته از جهان پنهان این خانه و آدم هایش را روایت می کند. کارگردان فیلم موقع تحقیق برای ساختن یک درام با دلال مواد مخدری آشنا می شود که مدتی مقيم این خانه بوده و ایده از آن حاشکل گرفته است.



نامها
The Letters
کارگردان: پابلو کاواریا گوتیرز
دانمارک ۲۰۱۵

پشت تصاویر تیره، حیوانی و تقریباً توهم گونه؛ داستانی عبوس و ترسناک مثل دودی از آتش بلند می شود. داستانی درباره یک معلم مدرسه که فعال اجتماعی هم هست. کسی که بعد از یک محاکمه جنجالی که در مورد صحت و سقم عدالت آن حرف و حدیث هایی وجود دارد، متهم شده به کشتن چهار افسر پلیس در ایالتی در مکزیک. نامه هایی که او از زندان به دخترش می نویسد، در حقیقت کیفرخواستی در لفافه علیه سیستم فاسد است. در این مستند تقریباً دیالوگ نویسی به شیوه مرسوم وجود ندارد و سعی شده تصویری احساسی و روان شناسی، هم از محیط و هم از ذهن آدمی ارایه شود.

داستان‌های جذاب

رادوان سبیرت تهیه‌کننده
فیلم‌های مستند از
سوزدهای نابی در ایران برای
مستندسازان وجود دارد می‌گوید

شناخت من از ایران و فرهنگ ایرانی شاید شبیه به هیچ یک از مهمانانی که این روزها به جشنواره آمده‌اند، نیست. من مادربزرگی دارم که سال‌ها پیش اشعار ایرانی را به زبان کشورمان ترجمه کرده بود. کسی که شرق‌شناسی می‌خواند و به زبان پارسی علاقه ویژه‌ای داشت. از همان زمان علاقه من نسبت به کشور ایران ایجاد شد، اما فرصتی پیش نیامده بود که به ایران بیایم. این فرصت حالا به‌وسیله محمدرضا فرزاد امکان‌پذیر شده است. دوستی که من تهیه‌کنندگی فیلمش را قبول کردم و حالا برای شناخت بیشتر فرهنگ و سینمای ایران به کشور شما آمده‌ام. کشور چک بودجه خوبی برای کارهای فرهنگی در اختیار داشته و تمایل دارد این بودجه را برای سینمای دیگر کشورها هم هزینه کند. کاری که اکثر کشورهای بزرگ مثل فرانسه و آلمان نیز انجام می‌دهند. درواقع من این‌جا هستم تا درباره پیش‌تولید فیلم‌ها با فیلمسازان حرف بزنم و از نزدیک با آن‌ها آشنا بشوم. ایران داستان‌های جذابی را در دل خود جای داده و اکثر افرادی که در حوزه سینما فعالیت می‌کنند با فیلم‌های ایرانی آشنایی دارند. صنعت سینما در این کشور قوی است. اما بودجه‌ای که برای فیلم‌های مستند در نظر گرفته‌اند، خیلی زیاد نیست. کاری که من تهیه‌کنندگی آن را قبول کردم، داستان جذابی داشت. این مستند درباره شخصی است که تحت تأثیر مطلبی که در سوئیس خوانده بود، از چک به ایران می‌آید. سوزده این داستان درباره حال و هوای سفر این فرد است. من در حوزه مستند به پرتو و زندگی‌نامه افراد علاقه‌ای ندارم، اما دنبال داستان‌های هیجان‌انگیز هستم. به همین دلیل هم نمی‌توانم در مورد ادامه همکاری‌ام با فیلمسازهای ایرانی نظر قطعی بدهم.



International

No.3. Tue, 6th Dec . 2016

CINEMA VERITE Iranian International Documentary Film Festival

15

است اکثر این مستندها در باکس‌های آخر شب تلویزیون جای دارند، چون مردم دیگر طرفدار آن‌ها نیستند. البته منظورم از این نوع مستندها، فیلم‌هایی است که ۹۰ دقیقه هستند و دوربین لحظه‌به‌لحظه برای ثبت واقعیت‌ها پیش می‌رود. در آلمان مستندها به سمت مستندهای رپورتاژی رفته‌اند. مستند رپورتاژ، نه به معنای تبلیغ بلکه به این معناست که مستندها معمولاً یک داستان دارند و به سمت ساختگی شدن پیش می‌روند. مثلاً اگر قرار است فایق بناهندها نجات داده شود، این تصویرها بازسازی می‌شود و یک فایق واقعی نمایش داده نمی‌شود. ضمن این‌که در اکثر این رپورتاژها تزیین وجود دارد. این نوع مستندها ریسک کمتری داشته و هزینه کمتری برای آن‌ها می‌شود. به این علت که نباید منتظر ماند و وقت زیادی برای آن صرف کرد. همه چیز با بازسازی صحنه‌ها در چند روز ساخته می‌شود و همین دست‌فیلماز را برای خلق صحنه‌ها باز می‌گذارد. البته موضوعات از واقعیت برگرفته شده و همین واقعیت‌بودن فیلم‌ها را بر سوال نمی‌برد.

■ پناهندگان و روایت‌های متفاوت‌شان در آلمان

هافمن از موضوعات مختلفی نام می‌برد که این روزها توجه مستندسازها را به خود جلب کرده است. این روزها جشنواره‌های مستند مختلفی در برلین برگزار می‌شود، اما استقبال کمی از آن‌ها شده است. جشنواره‌ها در آلمان، در حال کم‌شدن هستند، اما موضوعات اجتماعی مثل فقر و شکاف‌های اقتصادی و مسایل مربوط به پناهندها و افرادی که در اقلیت هستند، مهم‌ترین موضوعاتی است که در جامعه امروز آلمان به آن‌ها پرداخته می‌شود. او با توجه به نقش آلمان در رابطه با پناهندگان سواری می‌گوید: این موضوع بسیار مورد توجه فیلمسازان کشور آلمان است. بعد از جنگی که در سوئیه اتفاق افتاد و خیلی پناهندگانی که به کشور ما آمدند، سوزده تازه‌ای شکل گرفت که می‌شد از زوایای مختلف به آن پرداخت. با این وجود، اما سینمای سنتی از سینمای مستند فاصله می‌گیرد و تماشاچی‌های آن کمتر به سمت این فیلم‌ها تمایل نشان می‌دهند. البته در یک پارادوکسی، جنبش مستند در اینترنت روزبه‌روز بیشتر می‌شود، چون دومین رسانه برطرف‌دار در آلمان، اینترنت است و همین باعث شده مستند در دنیای مجازی طرفداران خودش را داشته باشد. دنیای مجازی اتفاقی است که می‌تواند تمام معادلات را برهم بزند و انقلابی جدید در هر حوزه ایجاد کند.

■ درباره فیلم هافمن

«آلرت شجاعت یک ماهیچه‌است» فیلم هافمن در جشنواره حقیقت است. او در مورد داستان این فیلم می‌گوید: در ابتدا مستند دیگری را ساختم که در آن به اندازه یک نما شاهد حضور آلرت (شخصیت اصلی مستند جدید) بودیم. آن فیلم در جشنواره لوکارنو اکران شد و خانواده‌های آمدند و به من گفتند تحت‌تأثیر شرایط آلرت قرار گرفته‌اند و می‌توانند هزینه درمان او را بدهند. همین بهانه‌ای شد تا برگردم به آفریقای جنوبی و داستان آلرت را تبدیل به یک فیلم کنم.

Introduction to Films



ریکی دربار هلیکاک
Ricky Leacock
کارگردان: جین وینر
۲۰۱۳ آمریکا

4 جین وینر، کارگردان فیلم و مستندساز افسانه‌ای، ریچارد لیسکاک را خیلی خوب می‌شناسد. سال ۱۹۷۲ لیسکاک دوربین را به دست جین داده و گفته: «اگر می‌خواهی فیلمساز بشوی، مجبوری فیلمبرداری کنی.» لیسکاک الهام‌بخش و استاد وینر بود. در نتیجه وینر از او درخواست کرد فیلمی درباره کارهایش بسازد. لیسکاک دو شرط برایش گذاشت: نخست هیچ مصاحبه رودرویی به روش مستندهای معمول در کار نباشد و دوم از دوربین کوچک سوپر ۸ برای فیلمبرداری استفاده کند. جمله مشهور لیسکاک این بود: «دشوارترین تصمیم در فیلمسازی این است که از چه چیزی در محیطی که هستی فیلم‌گیری و کدام عناصر اطراف را از کادر دوربین حذف کنی.»

Iranian Documentary Narrated by German Filmmaker

Florian Hoffman, the German guest of 10th Iran International Documentary Film Festival believes that because of some problems in universal distribution of Iranian documentaries, we cannot reach them easily. He emphasized that Iranian must to focus more on distribution of Iranian documentaries in global scale because it's still remained unknown and it is not fair. Florian Hoffman is one of the youngest international guests of Cinema Verite. He is one of those who came here to Iran to be more familiar with Iranian documentary cinema. We talked with him just after 12 hours his arrival to Iran. He talked about Iranian people with high curiosity; people he heard many things about them but he never found opportunity to visit them Hoffman told us about many Iranians who live in Germany and they participate in film festivals at there and they make good documentaries too.

همین چند فیلم متوجه شوم تا چه اندازه در ایران فرهنگ غنی و تمدن نهفته است. به نظر من مهم‌ترین مشکلی که در سینمای ایران وجود دارد، نبود یک سیستم درست پخش فیلم‌های مستند است. اتفاقی که باعث می‌شود خیلی از کارگردان‌های ایرانی که اتفاقاً خیلی خوب هم حوزه مستند را می‌شناسند، گمنام بمانند. درواقع به جرات می‌توانم بگویم مستندهای ایرانی خیلی سخت پیدا می‌شوند و همین مسأله باعث شده سینمای مستند ناشناخته باقی بماند. به نظر من ایرانی‌ها باید روی این مسأله تمرکز ویژه‌ای داشته باشند، چون ممکن است در صورت حل‌نشدن این موضوع زحمات خیلی از کارگردان‌ها دیده نشود.

■ مستندهای رپورتاژی در آلمان بیشتر شده‌اند

در دنیا خیلی از کارشناسان حوزه سینما معتقدند که سینمای مستند، سینمای واقعی‌تری است و باید سلیقه مردم به سمت این سینما تغییر کند. اما هافمن می‌گوید در آلمان این نظریه به هیچ وجه وجود ندارد. سینمای مستند در آلمان دیگر خیلی طرفدار ندارد. درواقع سرمایه‌گذاری‌ها در این سینما هر روز کمتر و کمتر می‌شود، چون معتقدند در این نوع سینما بازگشت سرمایه وجود ندارد و سینمایی هم که نتواند درآمد داشته باشد، ممکن است از چرخه تولید انبوه خارج شود. این اتفاق در مورد مستندهای تلویزیونی هم تا حدودی رخ داده

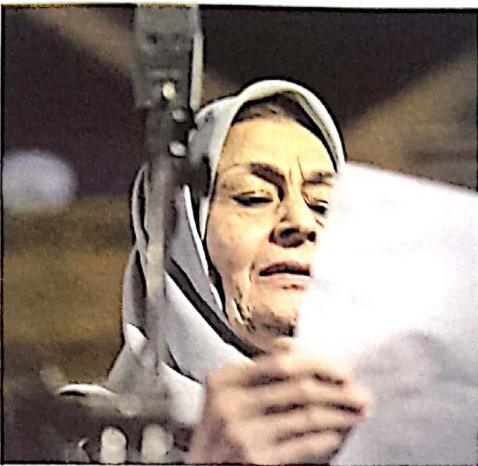


گاومقدس
Holy Cow
کارگردان: امام حسن‌اف
جمهوری آذربایجان، آلمان، رومانی ۲۰۱۵

3 تمام رویای یک مرد این شده که یک گاو اروپایی را به دهکده زیبا و چشم‌نوازش در جمهوری آذربایجان بیاورد تا به وضعیت خانواده فقیرش سرسامانی بدهد. اما شور و اشتیاق او توسط رسم و رسوم سنتی جامعه اطرافش معشوش می‌شود. پیرمردان دهکده حضور یک گاو خارجی را به چشم یک تهدید می‌بینند و معتقدند شیر این گاو سرشار از مواد شیمیایی است، حتی هوسر مرد هم حاضر نیست از گاو نگهداری کند. اما مرد حاضر است همه این ریسک‌ها را بکند و ذهن‌های محافظه‌کار اطرافش را به چالش بکشد تا نسبت به خیلی چیزها بازنگری کنند و رفتارشان را تغییر دهند.

سکوت کاغذی، شور مجازی

دومین روز جشنواره دهم سینماحقیقت در حالی برگزار شد که هنوز خبری از حضور پرشور اصحاب رسانه به خصوص رسانه های مکتوب نیست و شاید باید منتظر روزهای باقی مانده بمانیم. خلا حضور و همراهی رسانه های کاغذی را البته رسانه های مجازی و بر خط حسابی پر کرده اند. باید بدین تفاوت رو بگرد در رسانه های مکتوب و مجازی نسبت به برگزاری مهم ترین رویداد سالانه سینمای مستندناشی از چیست و تا کجا ادامه خواهد داشت.



خروجی خود منتشر کرد. در کنار خبرگزاری های بازم هم سایت های خبری دست به سوزنهایی بهتری داشتند و سایت «ای سینما» بازم در گزارشی از متن و حاشیه اکران فیلم هادر روز نخست جشنواره از «حضور معاون وزیر امور خارجه تا تشویق خواهران شکفت انگیز» نوشت.

رسانه های کاغذی

روزنامه های سراسر غالباً در صفحات فرهنگی خود به بریده شدن کیک ۱۰ سالگی جشنواره سینماحقیقت پرداختند و روزنامه ایران در گزارشی از این مراسم از «راه پرستکلاخ سینمای مستند تا رسیدن به ۱۰ سالگی جشنواره» نوشت روزنامه شرق هم تیتراژ «منوچهر ملیاب کیک ۱۰ سالگی سینماحقیقت را برید». در میان روزنامه ها اما ویژه ترین پوشش جشنواره را همچنان در روزنامه تخصصی «سپا» شاهد بودیم. روزنامه ای که یک ویژه نامه چهار صفحه ای روزانه را به «سینماحقیقت» اختصاص داده و هر روز با مجموعه ای از مطالب، گفت و گوها و یادداشت ها به بررسی جشنواره و آثار مستند حاضر در این رویداد می پردازد. تیتراژ دومین شماره از ویژه نامه این روزنامه مربوط به گفت و گو با فرهاد فدائیان، چنین بود: «قالب از پیش پذیرفته ای در مستندسازی نداریم».

رسانه های بر خط

در میان خبرگزاری های رسمی همچنان خبرگزاری مهر پیشتر پرداختن به جشنواره سینماحقیقت است. به خصوص که این خبرگزاری در کنار رصد و پوشش اخبار این رویداد، سلسله گفت و گوهایی با مستندسازان در راستای معرفی آثار حاضر در جشنواره کلید زده که راهنمای بسیار خوبی برای آشنایی با این آثار است. انتشار بریده ای از مستند «مردی که با خرگوش های دیوید» از جمله مطالب خبرگزاری هادر روز گذشته، در همین راستا بود. خبرگزاری ایسنا هم از میان مستندهای حاضر در جشنواره تیتراژ مستند «ننا» با صدای زاله علو را بر



نشریه روزانه دهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

شبکه های اجتماعی

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آرش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش انگلیسی: سیمه قاضی زاده
- بخش بین الملل:
- صوفیا نصر الهی و سارا شمیرانی
- بخش خبری: محمد صابری
- عکس: مریم سعید پور

- تحریریه:
- لیلا علیپور
- سمیه علیپور
- سوسن سیرجانی
- عرفان جلالی
- زهره عباسی
- محمد رضا کاملی
- با تشکر از همراهی:
- مرجان فاطمی

- گرافیک و فنی
- مدیر هنری: علیرضا ابراهیمی
- صفحه آرایی: فرهاد بذرافشان
- اجرائی و هماهنگی: مریم رضوانی
- ویرایش عکس: محمد بذرافشان
- ویرایش و تصحیح: نجمه درزلو

- باسپاس فراوان:
- منوچهر طبیب و مرتضی رزاق کریمی
- با تشکر از همراهی:
- حامد خورشیدی، محمود سادقلوی گیوی
- و علی اصغر لشنی

دست به تقد

یکی از اتفاقات جالب در پیگیری مباحث گروه «بحث مستند» باز شدن باب گفت و گو درباره فیلم های اکران شده در جشنواره است. گفت و گویی که گاه یک پای آن کارگردان تک اثر است و در مقابل مجموعه ای از تعارفات و ابراز علاقه های دوستانه ثبت می شود و گاه در غناب خالق اثر، تبدیل به میدان رویارویی دیدگاه های مخالف و موافق می شود. از همین دست مباحث درباره فیلم های به نمایش درآمده در روز نخست در گروه «بحث مستند» در گرفت که گاه در مواردی از دایره نقد فراتر رفت و به اظهار نظرهای تند و تیز درباره کیفیت برخی آثار منجر شد! طبیعی است که از ذکر نمونه معذوریم، اما بد نیست فراموش نکنیم بحث های داغ فضای مجازی گاهی بازتاب هایی در فضای واقعی پندامی کند که باید حواس مان به عواقبش باشد!

ببخشید این نظر کیه؟

یکی از ایده های جذاب برای گرداندگان کانال ها و مدیران گروه های مرتبط با جشنواره در فضای مجازی، طراحی و باز نشر تصویر جدول ها و فهرست هایی با عنوان «سته پیشنهادی» است. این مدل اطلاع رسانی به خصوص با توجه به تعدد فیلم های به نمایش درآمده در هر روز از جشنواره سینماحقیقت شاید برای مخاطبان راهگشا و کارآمد باشد، اما روز گذشته در یکی از گروه ها سوال جالبی درباره این فهرست های پیشنهادی مطرح شد که این اولویت بندی برای تماشای آثار بر مبنای کدام سلیقه است و آیا منجر به نادیده ماندن زحمات گروهی از مستندسازان نمی شود؟ این سوالی بود که با چند لایک و تشویق مشاعت شد، اما پاسخ در خوری به دنا نکرد!

نقد مجازی

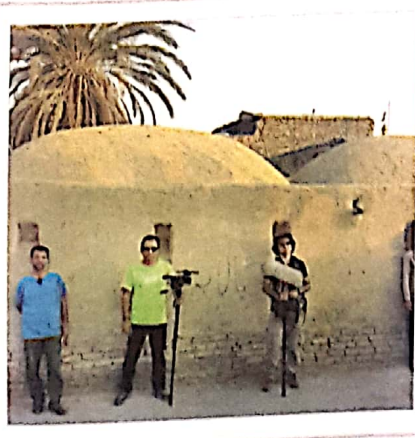
در شبکه های اجتماعی به جشنواره سینماحقیقت چطور پرداخته شده است

فضای مجازی حالا تبدیل به فرستی ویژه برای تبادل نظر مستقیم همراهان جشنواره سینماحقیقت درباره آثار مستند شده است. این یعنی در کنار گدده های واقعی و گرم در پردیس چارسو، علاقه مندان سینمای مستند، نظرات و دیدگاه های خود را در گدده های مجازی نیز به اشتراک می گذارند تا هم از فیلم های مورد علاقه شان بگویند و هم بدون تعارف فیلم هایی از نگاه خود «بد» و «از بر تیغ نقد ببرد»!

دیدار با نویسندگانی های شنیدنی

از میان فیلم های قرار گرفته در جدول اکران جشنواره برخی فراتر از یک فیلم مستند، ارزش های افزوده ای دارند که تماشای آن هادر حال و هوای جشنواره را به اتفاقی ویژه بدل می کند. اصل ایده برداری برای رقم خوردن این قبیل اتفاقات هم بر دوش خود مستندسازان است. نمونه اش همین صادق داوری فر، مستندساز جوانی است که دو سال پیش با مستند «فیله ما فیله» حضوری موفق در جشنواره سینماحقیقت داشت و امسال هم توانست مستند تازه خود با عنوان «آقای هرگز» را به جشنواره برساند. مستندی با محوریت علاقه ویژه یک جوان مرزنشین به برنامه های رادیویی. داوری فر که در ساخت این مستند از همراهی برخی از چهره های رادیویی بهره گرفته، حالا برای اکران هم جمعی از این چهره ها را به پردیس چارسو فر خوانده است. مهم ترین چهره حاضر در ترکیب مهمانان او هم مریم نشیما، گوینده خاطر دوازده ساله است. مستند آقای هرگز امروز ساعت ۲۰:۴۵ در سالن شماره دو اکران می شود و می توانید در کنار چهره های باسابقه رادیو به تماشای آن بنشینید.

نکته روز



کاوش 30 ساله

پرونده روز:
اکران عمومی مستند



■ نمایی از فیلم
من ناصر حجازی
هستم یکی از
موفق ترین فیلم
های مستند اکران
شده در گروه هنر
و تجربه

می خواهیم دیده شوم

پرونده ای درباره اکران فیلم
مستند و سهم «هنر و تجربه»
در رفع این دغدغه

محمدصابری

m.saberil63@gmail.com

جدول اکران سینماهای کشور در طول سال آنقدر فشرده و شلوغ است که حداقل روی کاغذ به سختی می توان ورودی و خروجی چرخه تولید و نمایش در سینمای داستانی را با هم متناسب کرد و به جواب مشخص رسید. به تعبیر ساده تر در میان تولیدات داستانی سینمای ایران هم بسیاری فیلم هایی که با حسرت هر سال پشت درهای بسته اکران می مانند و برای چند تک سانس محدود هم فرصت تجربه رنگ نقره ای پرده سینماها را پیدا نمی کنند. در چنین شرایطی طبیعتاً انتظار برای پاسخ به سهم خوانی سینمای مستند چندان قابل توجهی نیست.

پس بهتر است بخت مستندها را هم با اقبال فیلم های داستانی کم توفیق برای ورود به چرخه اکران عمومی گره بزنیم و سراغ از سهم شان در گروه «هنر و تجربه» بگیریم. گروهی که حالا

بیش از دو سال از تولدش می گذرد و آنقدر هویت و قوام پیدا کرده که در اصلی ترین جشنواره های سینمایی کشور سهمی ثابت برای خود دارد. سینمای مستند هم حالا می تواند امیدوار باشد که سهمی حداقلی اما ثابت در چرخه برنامه ریزی سالانه گروه هنر و تجربه دارد و با کمی انرژی برای تولید فیلم خوب و در عین حال تمرکز بر ظرفیتهای تبلیغاتی می توان شاهد خوب دیده شدن و حتی پرفروش شدن فیلم های مستند هم باشیم.

اتفاقی که به استناد اطلاعات ثبت شده در کارنامه دوساله گروه هنر و تجربه حداقل برای پنج فیلم مستند رخ داده و دور از ذهن نیست که در سال های بعد شاهد تکرار آن برای فیلم های مستند حاضر در جشنواره دهم سینما حقیقت باشیم. این چرخه امید به اکران و دیده شدن قرار نیست متوقف شود و آن چه تا به امروز به عنوان «تجربه» در کارنامه این گروه سینمایی به ثبت رسیده، در آینده تبدیل به «هنر» می برای زنده نگه داشتن رابطه سینمای مستند با مخاطبان بالقوه اش

خواهد شد. این سکه البته که روی دیگری هم دارد. اکران را اگر به معنای «فرصتی برای دیده شدن» در نظر بگیریم بی تردید مستندساز هم به مانند هر فیلمساز دیگری در دغدغه مندی و نگرانی بابت سهم داشتن در آن محق است و میتواند برای برطرف شدن این دغدغه از مدیران و سیاستگذاران پاسخ و راهکار مطالبه کند. اما اگر منظور از اکران وجه صنعتی و اقتصادی آن باشد و مستندساز بخواهد به این بهانه ظرفیت نمایش اثر خود را در ترازوی عیارسنجی با آثار پرفروش داستانی روز قرار دهد، حتما راه به بیراهه برده و نه فقط از چرخه سیاستگذاری و اکران سینمای کشور که مهمتر از آن فیلم و ساخته خود انتظاری غیرواقعی مطالبه کرده است. داستان اقتصاد سینمای مستند معادله ای متفاوت از چرخه اکران دارد و مستندساز و سیاست گذار می باید در مختصاتی متفاوت از گیشه به دنبال حل این معادله باشند.



I Want to Be Seen

A Little Document for Screening Documentaries and Role of "Art and Experience Cinematic Group" in Eliminating The Concern Screening schedule of Iranian Cinema is so busy that it will be so difficult if you want to know when a film is producing and when its screening be started. In another word, there are many Iranian films which are waiting to be screened and many of them never find even two or three sessions for public screenings. In such situation, naturally there will be so difficult if you expect to screen documentary films. Therefore, it seems that it will be much more better if we follow screening of Iranian documentaries in "Art and Experience Cinematic Group"; a cinematic group which is now two years old and achieved to an independent identity while it has a separated important section in the main film festivals of Iran. Today, Iranian Documentary Cinema can be hopeful to have a minimum but fixed share in programming of screening schedule of "Art and Experience Cinematic Group", also they can be more anticipant if they be advertised and promoted better, they be successful in ticket-selling. In fact, it was happened at least for five films during last past two years of Art and Experience Cinematic Group. While it is not supposed that the cinematic group be taken down, so in the near future it will be changed to a group for surviving the relationships of documentary cinema with its potential audience.

I'm Nasser Hejazi



Director: Nima Tabatabayi
Number of Session in Art and Experience Screening: 154 Sessions
Selling: 34 Million Tomans
 Portrait documentaries often are successful documentaries in relationship with the audience, especially if the main character of them be one of the most famous and popular ones among people.

O! Humans



Director: Rakhshan Bani Etemad
Number of Session in Art and Experience Screening: 121 Sessions
Selling: 26 Million Tomans
 It seems that "O! Humans" documentary is an ordered one from a charity but the audience are completely aware that a good director can make an influential film even it is an ordered one.

Molf-e Gand



Director: Mahmoud Rahmani
Number of Session in Art and Experience Screening: 107 Sessions
Selling: 25 Million Tomans
 "Molf-e Gand" was one of those documentaries which was admired from the very first screening of it in Cinema Verite.

Six Centuries and Six Years



Director: Mojtaba Mirtahmasb
Number of Session in Art and Experience Screening: 105 Sessions
Selling: 24 Million Tomans
 Reviewing works of Abdolghader Maraghi, the musician of 8th century is the main subject of a documentary made by Mojtaba Mirtahmasb with presence of number of Iranian traditional music masters and artists.